

The Approach of the Sources of the *Naṣīrīyyah* Extremist Sect to the Hadiths on the Succession of *Amir al-Mu'minin 'Alī ibn Abī Ṭālib* (PBUH) with an Emphasis on the Hadith of *Ghadīr**

Research Article

Emamatpajouhi,
Twelfth year, vol .1
spring & summer & winter 2022
DOI: 10.22034/
jep.2021.241889.1212
jep.emamat.ir



'Amid Reza Akbari¹

Abstract:

The Hadith of *Ghadīr* and some other famous Hadiths on the succession of *Amir al-Mu'minin* (PBUH) have had great significance among the Shia and non-Shia Islamic sects. In the meantime, considering the fact that the *Ghulāt* (extremists) usually paid special attention to the Hadiths containing the virtues of Imams, it is appropriate to ask about the position of the *Naṣīrīyyah* sect towards the transmission and explanation of the Hadiths concerning the succession of *Imam Ali* (PBUH)? According to the results of this study, *Naṣīrīyyah*'s general sources have preferred to pass over the *Ghadīr* incident with a vague and brief reference and sometimes by removing the main parts of which; but their secret sources have presented a completely different version of the event. In their view, the followers of *Haq* (the truth) heard the call of the divinity of *Amir al-Mu'minin* (PBUH) on the day of *Ghadīr* but the other distorted ones just heard the call of the Prophet (PBUH) in the form of His famous statement i.e. "For whomever I am his *Mawla* (Master) then 'Ali is his *Mawla*." The ritual ceremonies and mores which the followers of *Naṣīrīyyah* do on the day of *Ghadīr* and some other holidays are also seriously different from the Shia tradition. Believing in the divinity of *Amir al-Mu'minin 'Alī ibn Abī Ṭālib* (PBUH) in the secret sources of the *Naṣīrīyyah* has been rendered a serious obstacle in their consideration of the definite virtues of Imams (PBUT), which include human qualities. Hereafter narrating the virtues admitted by Shiites and Sunnis, the *Naṣīrīyyah* have always stated in their works the compatibility of narrations to the perspectives of *Sunnis*, *Mughāṣirah*, *Shia* or *Ahl al-Kider*; and so on whereas the opinion of *Khāṣah* or *Ahl al-Tawhid* (the followers of Monotheism) i.e. *Naṣīrīyyah* is something else. The opinions of the *Naṣīrīyyah*, the most prominent extremist sects of the *Khaṭṭābiyyah*, are very far from the famous Shiite belief about *Ghadīr* and the successorship of Imam *Amir al-Mu'minin* (PBUH). The *Naṣīrīyyah* have been extremely evasive of the vastly narrated hadiths on the succession of Imam Ali (PBUH) as well as completely distorted the Hadith of *Ghadīr*.

Keywords: *Naṣīrīyyah*, Distortion of *Ghadīr*, Imam's Divinity, Esoteric Sources, Extremism

* Date of receipt: 18/10/2022, Date of acceptance: 20/12/2022.

1. Ph.D. Candidate, University of Qom, Qom, Iran

منهجية مصادر فرقة النصيرية الغالية بشأن نصوص خلافة أمير المؤمنين عليه السلام مع التأكيد على حديث الغدير *

عميد رضا أكبري^١

الخلاصة

يحظى حديث الغدير، وبعض النصوص الأخرى المشهورة الواردة في خلافة أمير المؤمنين عليه السلام، بمكانة رفيعة عند طوائف المسلمين كافة، وفي هذا الشأن يثار سؤال، خصوصاً بسبب عناية الغلاة بروايات الفضائل، وهو: ما هو موقف فرقة النصيرية في نقل روايات الخلافة وعنايتهم بها؟

نتائج هذا البحث بينت أن المصادر العائمة لهذه الفرقة فضّلت المرور بشكل عابر على واقعة الغدير، بالإشارة المبهمة والعبارة، وأحياناً بحذف أجزاء رئيسية من مجريات هذه الحادثة. لكن مصادره السريّة قدّمت قراءة أخرى عن واقعة الغدير مختلفة تماماً..

فبرأيهم أن (أهل الحق) سمعوا في يوم الغدير نداء إلهية أمير المؤمنين عليه السلام في حين أن الآخرين (الممسوخين) سمعوا نداء النبي الأكرم صل.. بشكل جملته المشهورة: (من كنت مولاه فهذا علي مولاه). وفرقة الغلاة هذه لهم تقاليد ومراسم في عيد الغدير، وكذلك في بعض الأعياد المشابهة، تختلف اختلافاً كبيراً عما هي عليه عند الشيعة الإمامية.

وكان اعتقادهم بالوهية أمير المؤمنين عليه السلام، في مصادره السريّة، عائناً كبيراً لعنايتهم وقبولهم بفضائل الأئمة عليهم السلام المسلمة؛ إذ هم ذوو طبيعة بشرية.. وقد صرّحوا مراراً في تراثهم المنقول، بعد نقل روايات الفضائل المقبولة عند الشيعة والسنة، أن هذه الروايات طبقاً لرأي (العامة)، و(المقصرة)، و(الشيعة)، و(أهل الكدر)، وغيره، أمّا رأي (الخاصة)، أو (أهل التوحيد) (النصيرية) فهو شيء آخر.

إنّ آراء فرقة النصيرية، التي تعدّ أبرز فرق الغلاة الخطابية، بشأن الغدير وخطابة أمير المؤمنين عليه السلام، بعيدة كلّ البعد عن آراء ومعتقدات الشيعة المشهورة بشأنهما، وقد تجنّبت هذه الفرقة نصوص الخلافة المتواترة بشكل جدّي، وحزفوا حديث الغدير بشكل تام.

الكلمات الرئيسية: النصيرية، تحريف الغدير، الوهية الإمام، المصادر الباطنية، الغلو.

* تاريخ الاستلام: ١٤٠١/٧/ ٢٦. تاريخ القبول: ١٤٠١/٩/ ٢٩.

١. طالب دكتوراه بجامعة قم، محافظة قم، إيران.

رویکرد مصادر فرقه‌عالی نصیریّه به نصوص جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام با تأکید بر حدیث غدیر*

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
امامت پژوهی، سال دوازدهم
شماره اول، شماره پیاپی ۳۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱
صفحه ۱۲۷ - ۱۶۳

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.241889.1212



copyright © the authors

عمیدرضا اکبری^۱

چکیده

حدیث غدیر و برخی از دیگر نصوص مشهور جانشینی امیرالمؤمنین علیه السلام، جایگاه والایی نزد عموم فرقه‌های اسلامی شیعی و غیرشیعی داشته‌اند. در این میان، به‌ویژه به خاطر گمانه‌اهتمام غالیان به روایات فضایل، جای این پرسش است که نصیریّه در نقل و اهتمام به نصوص جانشینی چه جایگاهی داشته‌اند؟ بنا بر نتایج این تحقیق، مصادر عمومی نصیری ترجیح داده‌اند از واقعه غدیر با اشاره مبهم و گذرا و گاه با حذف بخش‌های اصلی ماجرای غدیر عبور کنند؛ ولی مصادر سنی تقریری کاملاً متفاوت از واقعه ارائه داده‌اند. در نگاه آنان، در روز غدیر اهل حق ندای الوهیت امیرالمؤمنین علیه السلام را شنیدند، ولی دیگران، که «مسخ‌شدگان» هستند، ندای پیامبر صلی الله علیه و آله را به صورت جمله مشهور «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاً» شنیدند. آداب اباحی غالیان نصیری در غدیر و برخی از اعیاد مشابه نیز تفاوت جدی با سنت شیعی دارد. اعتقاد به الوهیت امیرالمؤمنین علیه السلام در مصادر سنی نصیریان، مانعی جدی در عنایتشان به مناقب مسلم امامان علیهم السلام بوده که رنگ و بوی بشری دارد. نصیریان در آثار خود پس از نقل فضایل پذیرفته نزد شیعه و سنی، بارها تصریح کرده‌اند که این روایات مطابق دیدگاه «عامه»، «مقصره»، «شیعه» یا «اهل کدر» و... است و رأی «خاصه» یا «اهل توحید» (نصیریان) چیز دیگری است. آرای نصیریان به عنوان شاخص‌ترین فرقه‌های غالیان خطابیّه با عقیده مشهور شیعه درباره غدیر و وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام فاصله بسیار دارد. نصیریّه شدیداً از نصوص متواتر جانشینی گریزان بوده‌اند، و حدیث غدیر را نیز کاملاً تحریف کرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نصیریّه، تحریف غدیر، الوهیت امام، مصادر باطنی، غلو.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۹.

۱. دانشجوی دکترا، دانشگاه قم، قم، ایران.

درآمد

از صدر اسلام حدیث غدیر جایگاه بسیار والایی نزد عموم فرقه‌های اسلامی، اعم از شیعی و غیرشیعی، داشته است؛ تا آنجا که کتاب‌های بسیاری در گردآوری اخبار متواتر در موضوع غدیر و دیگر اخبار وصایت و جانشینی امیرالمؤمنین، علی علیه السلام نگاشته‌اند.^۱ بنا بر گزارش سیر أعلام النبلاء، محمد بن جریر طبری، مورخ و مفسر مشهور، اسناد روایت غدیر خم را در چهار جلد جمع‌آوری کرده که گوشه‌ای از آن برای ذهبی حیرت‌انگیز بوده است.^۲

اما با وجود گوناگونی اسناد و طرق این مناقب معتبر امیرالمؤمنین علیه السلام در منابع فریقین، چندان جایگاهی برای فِرَقِ غالی در روایات این اخبار تصویر نمی‌شود. این در حالی است که برخی از متأخران امامیه، حتی علت جرح اکثر متهمان به غلو را کثرت عنایت ایشان به اخبار فضایل دانسته‌اند.^۳ جای این پرسش است که: رویکرد غالیان نصیری و پیشینیان غالی ایشان به جریان غدیر و تلقی ایشان از این موضوع چیست؟ آیا غالیان واقعاً به این اخبار مناقب و طرق آن اهتمام داشته‌اند و اسناد ایشان در مصادر فریقین مهجور مانده است؟ یا آن‌که از اساس در مصادر غلو، اسناد مناقب معتبر و مشهور چندان محل توجه نبوده است؟

بررسی این مسئله مهم در میان همه فرقه‌های اهل غلو، خارج از موضوع این نوشتار است؛ اما در اینجا به جایگاه حدیث غدیر و وصایت امیرالمؤمنین علیه السلام در منابع شاخص‌ترین فرقه غلوّ برجمانده از قرون نخستین؛ یعنی نصیری، پرداخته می‌شود. نصیری به خود را میراث‌دار مشهورترین غالیان دوران امامان، به‌ویژه عبدالله بن سبأ، أبوالخطّاب و محمد بن نصیر، می‌دانند.^۴ خطّابیه و نصیری به

۱. برای نمونه، نک: امینی، عبدالحسین، الغدیر، ج ۱، سرتاسر؛ میلانی، سید علی، نفعات الأثرار، ج ۱-۱۹، سرتاسر.

۲. ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان، سیر أعلام النبلاء، ۱۱/۱۷۱؛ و نک: نجاشی، احمد بن علی، الرجال، ص ۳۲۲.

۳. برای نمونه، نک: مجلسی، محمدتقی، روضة المتقین، ۱/۹۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۸۹/۵۲.

۴. اکبری، عمیدرضا، نصیری، بخش ۱.۱. درآمد، و ۳.۳.

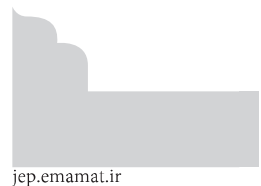
نام همین اشخاص منسوب هستند.^۱ خطاییه در دوران امام صادق علیه السلام شکل گرفت و بعدها فرقی؛ مانند نصیریه از آن منشعب شدند. اهمیت فرقه نصیریه از آن روست که توانسته است مجموعه گسترده‌ای از تراث غالیان متقدم را تا به امروز حفظ کند؛ هرچند کتمان شدید آثار و عقاید نصیریان موجب شده است، دیگر فرقه‌ها در طول چند قرن کمتر از آن آگاهی یابند.

بنابراین، در پژوهش پیش رو همین تراث (هرچند پُر تحریف) برای بررسی آرای نصیریان درباره غدیر و برخی از دیگر اخبار وصایت بررسی شده است. این نوشتار میزان و نوع استناد نصیریان به نصوص غدیر و دیگر نصوص جانشینی، و نیز تفاوت‌ها یا شباهت‌هایی با استنادات و روایات شیعی را نشان می‌دهد. نسبت سنجی نوع نگاه و روایات نصیریه با دیگر فرقه اسلامی، این اهمیت را دارد که می‌تواند برای فرضیه اثرپذیری یا استقلال شواهدی به دست دهد، و در نتیجه میزان اصالت آنها را بیشتر روشن کند.

برای تحلیل بهتر جایگاه اخبار غدیر در منابع نصیریه، این پژوهش از تقسیمی رایج در میان خود نصیریان؛ یعنی تقسیم مصادر نصیری به «عامه و خاصه» یا «عمومی و سرتی» بهره برده است. این نوشته به جایگاه غدیر در آثار مؤلفانی که مستند روشنی بر نصیری بودنشان ارائه نشده است، نمی‌پردازد.^۲ همچنین منظور از «مصادر»، منابع متقدم این فرقه است، و فقط به مناسبت به آثار و آرای متأخران و معاصران ایشان اشاره می‌شود. گفتنی است، پژوهش دیگری در زمینه محل بحث یافت نشد.

۱. اکبری، عمیدرضا، نصیریه، بخش ۱.۲.۱.

۲. نمونه این‌ها محمد بن الحسن الدیلمی است، که گرچه برخی معاصران نصیری او را از خود شمرده‌اند (عاصی، اسد علی، العلویون، ص ۳۰۶)، اما اینان خود کسانی مانند «حاکم نیشابوری» و «صاحب بن عباد» را هم نصیری دانسته‌اند (همان، ص ۲۹۹ و ۳۰۱) که بی‌شک اشتباه است. همچنین، ایشان گاه قدمای امامی، مانند نعمانی و محمد بن همام را از خود شمرده‌اند (عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۶۶۵ و ۶۶۶) که البته پذیرفته نیست.



۱. غدیر و وصایت در مصادر عامّ نصیریه و ابهامات آن

مقصود از «مصادر عامّ نصیریه» مصادری است که به تصریح عالمان نصیری برای عرضه به عموم مسلمانان نگاشته شده و در آن عقاید خاصّ نصیریان؛ مانند تألیه ائمه، حلول، تناسخ و... به راحتی به چشم نمی خورد. این دست آثار در میان نصیریان بسیار کم هستند و اسناد متعددی از امامیه و گاه اهل سنت در خود جای داده اند. مهم ترین این مصادر الهدایة الکبری و المائدة از حسین بن حمدان خصیبی (م. ۳۴۶ یا ۳۵۸ ق) و تحف العقول و التمحيص از حسن بن شعبه حرانی (م. حدود ۳۶۸ ق) هستند.^۱

الف. روایت غدیر در الهدایة الکبری و ابهام آن

در میان مصادر عامّ نصیریه نخستین منبع مهمی که به جریان غدیر اشاره کرده است، کتاب الهدایة الکبری اثر حسین بن حمدان خصیبی، پیشوای بزرگ نصیریان^۲ است، که به سندی مرکب از راویان غیرنصیری^۳ روایتی از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام را آورده است. این خبر متن ترکیبی غریبی دارد و در آن بسیاری از حوادث دوران امیرالمؤمنین علیه السلام گنجانده شده و بعد از ذکر کرامات نادر به این می رسد که در جریان مواجهه امیر مؤمنان علیه السلام با خوارج، آن ها مدعی شده اند حضرت پنج کار کرده است که هر یک از این پنج کار برای جواز قتل حضرت علیه السلام کافی است.

خوارج در احتجاج خود در برابر امیرالمؤمنین علیه السلام در ذکر اولین دلیل خود بعد از آن که فضایل متعددی برای حضرت برمی شمردند، از اخوت با رسول الله صلی الله علیه و آله گرفته تا وصایت، تصریح رسول الله صلی الله علیه و آله به خلافت، تسمیه به «امیرالمؤمنین»، قضیه یوم الدار، بیعت رضوان، بیعت بیت ام سلمه، واقعه غدیر خم و...، اما در نهایت

۱. اکبری، عمیدرضا، نصیریه، بخش ۲.۱.۲.

۲. برای نمونه: رحمتی، محمدکاظم، «حسین بن حمدان خصیبی و اهمیت وی در تکوین نصیریه»، هفت آسمان، ش ۳۰.

۳. «عبد الله بن زید الطبرستانی (؟) عن محمد بن علي [أبوسمينة؟] عن الحسن بن علي بن أبي حمزة عن أبي بصير.»

چون در ماجرای سقیفه حضرت را در گرفتن حقّ خود مقصر می‌پندارند، ایشان را معذور ندانسته و خون ایشان را مباح تلقی می‌کنند.^۱ این گزارش به هیچ وجه توضیحی دربارهٔ جزئیات این وقایع، نه از زبان امیرالمؤمنین علیه السلام و نه از زبان خوارج، نمی‌دهد، و برداشت نویسنده از واقعهٔ غدیر را نیز به هیچ وجه تبیین نمی‌کند. مشابه همین احتجاج را خصیبی به صورت مرسل به عنوان بخشی از گفت‌وگوی خصوصی امیرالمؤمنین علیه السلام و ابوبکر بعد از بیعت سقیفه نیز می‌آورد، و در آنجا در ذکر موطن بیعت با امیرالمؤمنین علیه السلام از زبان خود حضرت دربارهٔ غدیر توضیح بیشتری می‌دهد.^۲ اما عجیب آن‌که بعد از ذکر شرایط مکان و زمان غدیر و جمع شدن مردم و...، خصیبی کلام رسول الله صلی الله علیه و آله در غدیر را حذف، و به جای آن تصریح می‌کند: «قال الحسین بن حمدان: إنما تركنا إعادة الإشهاد عند الناس» و سپس ادامه می‌دهد که مردم کلام رسول الله صلی الله علیه و آله را تأیید کردند و بعد دسته‌دسته برای تبریک نزد حضرت آمدند.^۳

در ادامهٔ خبر، ابوبکر بهانه می‌آورد که از غدیر کاملاً بی‌اطلاع بوده، و از حضرت می‌خواهد که رسول الله صلی الله علیه و آله را بعد از مرگ ایشان دیگر به صورت زنده به او نشان دهند، تا خود رسول الله صلی الله علیه و آله ابوبکر را به بازگرداندن حقّ امیرالمؤمنین علیه السلام دستور دهد، و امیرالمؤمنین علیه السلام نیز برای «تأکید حجت» رسول الله صلی الله علیه و آله را زنده نزد ابوبکر آورده تا همان مطالب و از جمله غدیر را بازگویند.^۴ در این گزارش نیز گرچه بخش اصلی حدیث غدیر حذف شده، اما از آن می‌توان فهمید که بحث احقیّت امیرالمؤمنین علیه السلام به حاکمیت و غاصب بودن خلفا از لوازم آن بوده است.

ب. روایات غدیر در تحف العقول

کتاب تحف العقول گزارش‌های متعددی دربارهٔ واقعهٔ غدیر دارد. از آن جمله

۱. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة، ص ۱۳۵.
۲. همان، ص ۱۰۲-۱۰۳.
۳. همان، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.
۴. همان، ص ۱۰۴ و ۱۰۵.

روایت عبدالعزیز بن مسلم از امام رضا علیه السلام است که در آن ضمن پرداختن به شئون امامت، به نزول آیه اکمال دین^۱ در حجة الوداع اشاره می‌کند.^۲ اما این خبر پیش از حسن بن شعبه در مصادر امامیه و گاه به سند متصل آمده و مضامین آن هم بر مذهب امامیه است.^۳

تحف العقول نامه امام عسکری علیه السلام به «اسحاق بن اسماعیل» را که مشتمل بر همین معنا و البته با تعابیر دیگری است، نقل کرده^۴، ولی اسناد متصل امامی از شیخ کلینی و کشی در نقل این خبر مقدّمند^۵؛ چنان‌که شلمغانی نیز روایت را به طریقی امامی روایت کرده است.^۶ در روایت رساله امام هادی علیه السلام درباره جبر و تفویض در تحف نیز بر روایت شدن خبر «من کنت مولاه فعلی مولاه»، خبر منزلت و... توسط عامه و بر صحت و محل اجماع بودن این اخبار تأکید شده است.^۷ البته این رساله با اندکی اختلاف در الاحتجاج نیز روایت شده^۸، و احتمالاً مصدر دیگری برای خبر داشته است.

همچنین حسن بن شعبه در کتاب تحف العقول گرچه اشاره‌ای به روایت بودن عبارات خطبه ابتدای کتاب خود ندارد، اما عبارات آن را عیناً از روایتی برگرفته که بنا بر برخی از منابع امامی و نصیری، خطبه‌ای طولانی از امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از اعیاد غدیر بوده، و البته این شعبه به ذکر برخی از عبارات توحیدی

۱. مائده: ۳.

۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۳۷.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/۱۹۸؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، ص ۲۱۶؛ ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ص ۶۷۴؛ همو، عیون أخبار الرضا علیه السلام، ۱/۲۱۶؛ همو، کمال الدین، ۲/۶۷۵؛ همو، معانی الاخبار، ص ۹۶.

۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۸۵.

۵. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، ۱/۲۴۹؛ طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، ص ۶۵۵؛ کشی، محمد بن عمر، الرجال، ص ۵۷۵.

۶. اثبات الوصیة، ص ۲۴۶.

۷. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۵۹.

۸. طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، ۲/۴۵۰.

ابتدای خطبه اکتفا کرده است.^۱ اما در گزارش دو کتاب مصباح المتهجد طوسی و نیز الأعیاد طبرانی نصیری، هر دو با یک واسطه از هارون بن موسی تلّعبیری و او به سه واسطه مجهول (که عمر یکی شان ۹۰، و دیگری بیش از ۸۰ سال در حین نقل این خبر شمرده شده) از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام جریان عطا بخشی و افطاری دادن امام در سال ۲۵۹ قمری را روایت کرده و در ادامه از زبان ایشان از پدران شان خطبه امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از اعیاد غدیر را ذکر می کنند.^۲ با وجود جهالت سند و نیز ناسازگاری آن با سال وفات امام رضا علیه السلام (۲۰۳ق)^۳ احتمالاً ابن شعبه نیز طریقی نصیری برای این خبر نداشته است.

مؤید مطلب آن که، مؤلف نصیری کتاب غالیانه الأعیاد بلافاصله پس از نقل این خبر تأکید می کند که این را به عنوان خبر مقبول نزد اهل ظاهر، روایت کرده است؛^۴ و شاهد دیگر آن که راوی شناخته شده خبر، یعنی تلّعبیری که هم طبقه ابن شعبه بوده، خود شاخص ترین و شاید تنها شخص امامی است که مستقیماً از خصیبی، مهم ترین قطب نصیری، روایت کرده است.^۵ در حالی که بنا بر اسنادی، ابن شعبه نیز از خصیبی روایت می کند.^۶ یا محمد بن همام نیز از مهم ترین مشایخ مشترک ابن شعبه و تلّعبیری است.^۷ و این احتمال ارتباط اینان را با جریان روایی مشترکی که امامی یا دست کم غیرنصیری است، تقویت می کند.

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۲.
۲. طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد، ۷۵۲/۲؛ طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۷۳.
۳. نک: کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۴۸۶/۱.
۴. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۸۰.
۵. طوسی، محمد بن حسن، الرجال، ص ۴۲۳؛ خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر، ص ۲۳۶.
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، حقائق أسرار، ص ۲۰، ۳۸، ۴۵، ۵۹، ۷۱، ۷۸، ۸۸، ۱۰۲ و ۱۶۵؛ همان، ص ۴۷، ۷۱ و ۷۴.
۷. همو، التمهیص، ص ۳۰؛ همو، حقائق أسرار، ص ۲۳، ۹۱، ۹۴، ۱۰۶، ۱۰۷ و...؛ نجاشی، احمد بن علی، الرجال، ص ۳۸؛ طوسی، محمد بن حسن، الرجال، ص ۴۳۹؛ همو، الغیبة، ص ۱۳۵، ۲۱۵، ۳۹۷ و...

به هر روی، گرچه حسن بن شعبه حرّانی، مؤلف تحف العقول، بنابر قرائن متعدد، همان نویسنده کتاب نصیری و شدیداً غالبانه حقائق أسرار الدین است^۱ و اهتمام ویژه‌ای به غالبانه‌ترین مصادر نصیریّه داشته^۲، اما در عین حال قرائنی از همین کتاب غالبانه مؤیدی برای این احتمال است که او در زمانی پیش از تألیفات مهم خویش، نصیری نبوده است؛ زیرا او در مقدمه کتاب غالبانه حقائق أسرار الدین از گذشتن عمرش در تقصیر اظهار ناراحتی می‌کند.^۳ همچنین با وجود گرایش غالبانه تألیهی، تناسخی و اباحی او در کتاب عنایت گسترده‌ای هم به کتاب‌های و مشایخ امامیه دارد^۴، و این حد از ارتباط با مشایخ شناخته شده امامی در آثار هیچ‌یک از نصیریان به چشم نمی‌خورد، و حتی احتمال امامی بودن او در دورانی پیش از تألیف حقائق أسرار الدین و تکمیل تحف العقول وجود دارد. دست‌کم اخبار مربوط به غدیر، در این اثر نصیری نیست.

۱. برای نمونه قرائن ن.ک: باقری، حمید، «پژوهشی در انتساب چند اثر جدید اینترنتی به ابومحمد حسن بن علی بن شعبه حرّانی»، سرتاسر؛ اکبری، عمیدرضا، نصیریّه، بخش ۲.۴.۲.

۲. برای نمونه، ن.ک: ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، حقائق أسرار الدین (۲۰۰۶م)، ص ۵۵، ۶۰-۶۳، ۷۰، ۹۵، ۹۸، ۱۰۸، ۱۱۲، ۱۱۹، ۱۳۵ و...

۳. همان، ص ۱۱. این دست قرائن به تنهایی برای تعیین مذهب قبلی او، کافی نیست؛ چراکه خصیبه هم در چند موضع از تقصیر پیشین اظهار ندامت می‌کند (عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۴۹)؛ اما بنا بر عباراتی از او، مقصودش تفویض و درجه پایین غلو است، نه غالی نبودن و امامی بودن (نک: خصیبه، حسین بن حمدان، دیوان، ص ۱۰۳؛ طبرانی، میمون بن القاسم، الجواهر، ص ۹۴).

۴. نام برخی از مصادر امامی او: ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، حقائق أسرار الدین (۲۰۰۶م)، ص ۵۴، ۱۲۸ و ۱۴۵؛ نقل‌های او از کتاب الکافی: همان، ص ۳۸، ۵۰، ۵۱، ۵۲ و ۱۴۵؛ از کتاب معرفة الباری احمد بن علی عقیقی: همان، ص ۳۸، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۷۹، ۸۹، ۹۳، ۱۲۰-۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۳ و ۱۳۵؛ نقل از محمد بن همام: همان، ص ۲۳، ۹۱، ۹۴، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۶۲ و ۱۷۶؛ نعمانی: همان، ص ۳۰-۳۲، ۴۶، ۵۴، ۵۵، ۷۸، ۹۵-۹۷، ۱۵۷-۱۵۸، ۱۶۵، ۱۶۹ و...؛ و نک: ص ۹۴، ۹۵ و ۱۲۷؛ ص ۳۷، ۹۲، ۱۰۷، ۱۱۹، ۱۲۳، ۱۳۱ و ۱۳۴. البته ابن شعبه از آن‌ها با عنوان «کتب اهل تقصیر و غیرموحدین» یاد می‌کند: ص ۱۲ و ۱۲۸.

ج. دیگر روایات مرتبط با وصایت

نمونه‌هایی از روایات در آثار عامّ نصیریان وجود دارد که در آن‌ها صریحاً به غدیر اشاره نمی‌شود، ولی با دعوت به ولایت اهل بیت علیهم‌السلام و امیرالمؤمنین علیه‌السلام مرتبط است. در مواضع متعددی از الهدایة به وصایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام تصریح شده است؛ ولی گاه در حاشیة این وصایت غرابی وجود دارد. از جمله در موضعی پس از جریان نزول آیات نخستین سوره نجم، با اعلان وصایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام از سوی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خورشید در برابر مردم و منافقان شهادت می‌دهد که علی علیه‌السلام اول و آخر و ظاهر و باطن است^۱، و مردم به شبهه می‌افتند که این اوصاف را قرآن برای خداوند ذکر کرده است.^۲ گرچه ادامه این روایت توجیهی بشری برای این تعابیر در خصوص امیرالمؤمنین علیه‌السلام ارائه می‌دهد، ولی خصیصی مشابه همین روایت را در الرسالة آورده و در آنجا این قضیه، شاهد الوهیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام گرفته شده است.^۳

دیگر نمونه مهم و پرتکرار از این دست از روایات اعلان وصایت، اخباری است که در آن پس از عرضه ولایت امامان، منکران عرضه امامت، مسخ می‌شوند.^۴ این در آثار مختلفی تکرار شده است، و در تبیین دیدگاه نصیریان درباره غدیر تأثیرات مهمی دارد. در این آثار عام، نمونه‌هایی از تطبیق چنین مطلبی بر منکران غدیر به صراحت نیامده است. با این حال، در ادامه، با مراجعه به آثار خاص، نوع نگاه نصیریان به این نکته و نیز ابهامات پیشین در یادکردهای خصیصی از غدیر روشن می‌شود.

همچنین یادکردهای الهدایة از اوصیان نیز معمولاً فضایی غریب از وصایت نزد نصیریان را پیش رو می‌نهد. از جمله در روایتی که اصحاب عقبه را شرور و اضدادی معرفی

۱. خصیصی، حسین بن حمدان، الهدایة، ص ۴۷، ۴۸، ۱۰۱، ۱۱۶ و ۱۱۹.

۲. همان، ص ۱۱۹.

۳. حدید: ۳.

۴. خصیصی، حسین بن حمدان، الرسالة، ص ۳۲-۳۳. در همین روایت الهدایة رموز نصیری دیگری نیز وجود دارد؛ استعمال تعبیر قرآنی «التسعة الرهط المفسدون» برای مخالفان.

۵. همان، ص ۱۵۷ و ۲۵۷-۲۵۹؛ همو، المائدة، ص ۲۹۳-۲۹۴.

می‌کند که شروع کفرشان از دوره خلق نخست بوده است.^۱ در این گزارش قرائنی بر تناسخ اوصیا و دشمنان ایشان وجود دارد. ندای بروصایت ایشان نیز در ادوار مختلف تکرار می‌شود.^۲ در روایت بساط در الهدایة نیز انگاره‌ای مشابه ترویج می‌شود.^۳

۲. تحریف غالیانه غدیر در مصادر خاص نصیری

بر خلاف مصادر عام نصیری، مصادر خاص آنان با تفصیل بیشتری به تبیین جایگاه غدیر نزد بزرگان این فرقه پرداخته است.

الف. اعلان الوهیت امام در غدیر و مسخ منکران در روایات خصیبی

در مصادر برجامانده نصیریان^۴ شاید نخستین بار نظریه پرداز بزرگ ایشان، حسین بن حمدان خصیبی، بر خلاف عموم فرقه‌های شناخته شده اسلامی، گزارشی از غدیر ذکر می‌کند که با باور غالیانه این فرقه بر الوهیت سازگار افتد. خصیبی در رساله الفرق بین الرسول و المرسل مدعی است در جریان غدیر ندایی که رسول خدا ﷺ سر داد، در واقع اعلان الوهیت امیرالمؤمنین ع بود: «إِنَّه لَمَّا نادى السيد الرسول في يوم غدیر خم مفصحا: هذا علي ربكم فاعبدوه، وهذا علي خالقكم فوحدوه». او می‌افزاید: در پی این ندا کسانی که در معرفت به توحید امیرالمؤمنین (یعنی توحید خدا یا معنا) مقصر بودند، به اضطراب افتادند، اما یقین اهل معرفت بیشتر شد؛ و منکران این ندا از اهل آسمان و زمین به قورباغه تبدیل و مسخ شدند و به آسمان رفتند و سپس با ابرها دیگر بار به زمین هبوط کردند، و خداوند بر دل‌های این منکران مهر زد و اینان ندای به توحید امیرالمؤمنین ع را فراموش کردند و در دل‌هایشان جمله «من كنت مولاه فعلي مولاه» بر جا ماند.^۵

۱. همو، الهدایة، ص ۷۷-۷۸. برای نسخه متفاوت، قس: همان، ص ۲۲۱.

۲. عادل زاده، علی و اکبری، عمیدرضا، «رمزواره‌های نصیری در کتاب الهدایة الکبری»، ص ۱۸۶.

۳. همان، ص ۱۷۲-۱۷۵.

۴. معرفی آثار: اکبری، عمیدرضا، نصیری، بخش ۲.

۵. خصیبی، حسین بن حمدان، الفرق بین الرسول و المرسل، ص ۱۹.

میمون طبرانی، دیگر پیشوای نصیری (م. ۴۲۶ق)، این گزارش را عیناً از محمد بن علی جلی (م. ۳۹۹ق)، جانشین خصیبی از خود خصیبی نقل کرده است^۱، و دیگرانی از قدما و متأخران نصیری هم ندای غدیر را به همین شکل روایت کرده‌اند.^۲ در گزارش دیگری از خصیبی، او پس از ذکر همین عبارت غالبانه خطبه ادعایی در الوهیت امیرالمؤمنین علیه السلام، آیتی در وصف خداوند و عبادت او^۳ را شاهد این ندا درباره امیرالمؤمنین علیه السلام می‌گیرد.^۴ این دست گزارش‌ها و نتیجه آن در قرون متمادی شهرت بسیار در میان نصیریان یافته است.^۵

خصیبی در قصیده مشهور «غدیریه» ندای الوهیت امیرالمؤمنین را با تعبیری مشابه و البته با توضیحات بیشتر به رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت می‌دهد: «إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ يَوْمَ السَّرُورِ... يَوْمَ نَادَى مُحَمَّدٌ فِي جَمِيعِ الْخَلْقِ؛ إِذْ قَالَ مَفْصَحَ التَّخْيِيرِ... إِنَّ هَذَا بَارِئُكُمْ فاعلموه/ إِنَّ هَذَا مَصَوِّرُ التَّصْوِيرِ/ إِنَّ هَذَا إِلَهَكُمْ فاعرفوه/ إِنَّ هَذَا مَعْبُودُكُمْ فِي الدَّهْرِ/ إِنَّ هَذَا مَهِيْمُنٌ صَمَدٌ فَرْدٌ/ وَهُوَ بَاطِنٌ بِلَا تَظْهِيرٍ/ وَهُوَ الظَّاهِرُ الَّذِي لَمْ يَغِبْ قَطُّ/ عَنِ الْعَارِفِ الْعَلِيمِ الْخَبِيرِ». او، در ادامه، دیگر بار در این قصیده نیز بر ماجرای فراموشی این ندا و مسخ شدن منکرانش تأکید می‌کند، و عموم انحرافات بعدی امت اسلامی را با همین مسخ و نفهمیدن خطبه اصلی غدیر، و تکرار خطبه مشهور گره می‌زند.^۶ در واقع، مشکل از خود اینان بوده و لذا

۱. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعياد (۱۹۴۳م)، ص ۷۱-۷۲.
۲. برای نمونه، نک: عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۴۲۰؛ مستقس، یونس علي یونس حسین، البيان، ص ۱۰؛ حَمِيْن، حسین احمد، فلاندر الدرر، ص ۱۳۰ با تفصیل بیشتر و...
۳. مانند بقره: ۲۱؛ انفال: ۴۱.
۴. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعياد (۱۹۴۳م)، ص ۸۳.
۵. نک: حَمِيْن، حسین احمد، دانية القُطُوف، ص ۳۵؛ همو، فلاندر الدرر، ص ۱۳۱ و ۱۳۳؛ مستقس، یونس علي یونس حسین، البيان، ص ۱۴؛ ابن معمار، أبو عبدالله البغدادي، الجدول النوراني، ص ۴۴.
۶. خصیبی، حسین بن حمدان، دیوان، ص ۳۱؛ مرهج، ابراهیم عبداللطیف، شرح دیوان الخصیبی، ص ۳۲؛ طبرانی، میمون بن القاسم، الجواهر، ص ۱۱۸؛ همو، مجموع الأعياد (۱۹۴۳م)، ص ۵۶-۵۹.

به انواع تناسخ از مسخ و فسخ و نسخ دچار می‌شوند.^۱ خصیبه در قصاید دیگری مانند «تشخص للأنام فشبّهوه» نیز از ناهمپی مردم در انکار الوهیت علی علیه السلام در غدیر شکایت می‌کند.^۲

ب. ظهور الله، توحید امیرالمؤمنین و ندهای بر الوهیت در غدیر

خصیبه در رساله الفرق بین الرسول و المرسل مدعی است؛ چون در این موضوع رسول خدا صلی الله علیه و آله به فردانیت خداوند اقرار کرد، مردم فهمیدند ربوبیت فقط متعلق به علی یا همان مرسِل است و با شناختن فرق «رسول» و «مرسل» ایمان مردم کامل شد.^۳ خصیبه شأن نزول آیه اکمال دین^۴ را همین معرفت به تفرّد امیرالمؤمنین علیه السلام به الوهیت و معنویت می‌داند، و این اشاره به نکته‌ای است که خصیبه در سرتاسر این رساله مد نظر دارد؛ یعنی برتری مرسِل (علی علیه السلام) بر رسول (محمد و دیگر انبیا علیهم السلام) و تنزیه مرسِل از هر گونه کاستی که در آیات قرآن به رسولان نسبت داده شده است.^۵

در برخی منابع نصیری آمده است که هدف اصلی غدیر، نفی معنویت (الوهیت) از نبی بود، تا همه بفهمند فقط علی علیه السلام الله است.^۶ برخی؛ چون طبرانی، فراتر از آن رفته و نه تنها احتجاجات خاصه (نصیریّه) بر «توحید امیرالمؤمنین و افراده بالمعنویة»، بلکه برتری امیرالمؤمنین علیه السلام بر حسنین در حدیث نبوی به روایت عامه (غیرنصیریّه) را نشان از آن گرفته‌اند که امیرالمؤمنین علیه السلام از سنخ امامان نیست، و الوهیت مختص اوست.^۷

۱. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۶۶-۶۷.
۲. خصیبه، حسین بن حمدان، دیوان، ص ۱۴۷؛ مرهج، ابراهیم عبداللطیف، شرح دیوان الخصیبه، ص ۳۸۴؛ طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۷۳.
۳. خصیبه، حسین بن حمدان، الفرق بین الرسول و المرسل، ص ۲۰.
۴. «الیوم أكملت لكم دینکم و أتممت علیکم نعمتی...»؛ مائده: ۳.
۵. خصیبه، حسین بن حمدان، الفرق بین الرسول و المرسل، ص ۴-آخر؛ و نک: برسی، رجب، مشارق أنوار الیقین، ص ۳۳۵.
۶. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۲۸۸ و ۲۸۹.
۷. طبرانی، میمون بن القاسم، الجواهر، ص ۱۱۶؛ و نک: همو، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م).

در مقدمه خطبه روز غدیر که در الأعیاد طبرانی نقل شده و گوینده آن معلوم نیست، باز به ظاهر شدن معنا (الله) اشاره می‌کند و معنا (وصی) و اسم (نبی) را با هم ازلی می‌داند؛ اما معنا را بی شریک و نظیر لحاظ می‌کند و اسم را محدثی که ظهورش متکی به خالقش؛ یعنی معنا، است. سپس از دعوت اسم (نبی) به معنا (علی) در غدیر سخن می‌گوید و بعد از روایت عبارت خبر مشهور غدیر و سخن از امامت، آن را شنیده «اهل کدر» می‌شمرد، و «الوهیت علی علیه السلام» را شنیده «اهل توحید»^۱ در بخشی از این خطبه تأکید شده این‌که مردم خوردن و آشامیدن و کشته شدن امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌دیدند، به سبب ناهمی‌شان از سخن اسم (نبی) بوده است.^۲ طبرانی در ادامه با آوردن قصیده غدیریه خصیبی، از شیخ او جللی درباره مسخ مقصران راجع به توحید و غدیر می‌پرسد، و جللی حتی برخی ملائکه و فرقی غالی غیرنصیری؛ یعنی «حسکيه، شریعیه، اسحاقیه و حلاجیه» را که معمولاً در نگاه نصیری موحد به حساب نمی‌آیند^۳، مشمول آن می‌داند.^۴

در کتاب الأعیاد همین تعبیر الوهیت امیرالمؤمنین علیه السلام (هذا إلهکم فاعبدوه...) به عنوان بخشی از دعای غدیر به محمد بن نصیر نیز منسوب شده^۵، و در آن تعابیر قرآنی و روایی درباره خداوند؛ مانند: «و هو یوم مجموع له الناس»، «و هو یوم مشهود»، «و هو یوم التغابن»، «و هو یوم التکائر» و «و برزوا الله الواحد القهار»، به «روزی که همه مردم خالق خود [علی] را دیدند» تفسیر شده است.^۶ شایان ذکر

ص ۸۰؛ مستمس، یونس علی یونس حسین، البیان، ص ۹.

۱. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۶۳-۶۴.

۲. همان، ص ۶۵-۶۷.

۳. به ترتیب، پیروان غلوگرای علی بن حسکه، ابو محمد الحسن الشریعی، اسحاق بن محمد بصری و حسین بن منصور.

۴. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۷۲؛ نیز نک: خصیبی، حسین بن حمدان، الرسالة، ص ۳۴.

۵. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۲۰۱۶م)، ص ۷۸، خبر منسوب به ابن نصیر؛ همو، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۶۰.

۶. همو، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۶۲.

است که انگاره «ظهور معنا» از کلیدی‌ترین عقاید نصیری است.^۱

برای تبیین چرایی این نگاه نصیریان، جا دارد به ماجراهای ندهای بر الوهیت در منابع نصیری توجه شود. طبرانی با ذکر خبری، غدیر را در کنار روزهای اعلان باییت ابواب نصیری و ندایشان بر الوهیت را از جمله اعیاد عربی، و نهم ربیع و نوروز و مهرگان را از اعیاد فارسی برمی‌شمرد. در سند خبر پس از خصیبی، دیگر راوی خطابی شناخته شده، محمد بن عبدالله بن مهران^۲ از محمد بن سنان از یکی از معصومان علیهم السلام روایت می‌کند. در این گزارش نیز غدیر روز اظهار معنویت و الوهیت امیرالمؤمنین علیه السلام برای خاص و عام معرفی می‌شود. البته نص کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در این خبر نیست؛ ولی در ادامه یکی از اعیاد را نیز روز یازدهم ذی الحجة، روز نصب ابوالخطاب (به باییت) از طرف امام صادق علیه السلام می‌داند، که او را به مردم چنین معرفی کرده است: «من كنت له رباً محمد وليه، و من كان عدوه فأنا عدوه».^۳ این عبارت آشکارا تحریفی غالیانه از حدیث مشهور غدیر است.

جلی در آثار مختلف خود بارها غدیر را مانند شیخ خود توضیح داده است. در کتاب باطن الصلاة غدیر را «روز اعلان سر و کشف باطن امر برای عام و خاص و دعوت همه خلق به شناخت ربوبیت علی و روز نزول آیه اكمال» می‌داند.^۴ ندای غدیر در میان همه ندهای الوهیت، برترین شمرده می‌شود.^۵ رساله الأندیة جلی نیز خبر غدیر را به شکل متداول نصیری در الوهیت امام علی علیه السلام روایت کرده،

۱. اکبری، عمیدرضا، نصیری، بخش ۳. ۲. ۳.

۲. از بزرگان و مؤلفان خطایان، نک: اکبری، عمیدرضا، نصیری، بخش ۱. ۲. ۳.

۳. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۴-۶؛ همو، المعارف، ص ۶۵. درباره ندای غلو ابوالخطاب نک: اکبری، عمیدرضا، نصیری، بخش ۳. ۳. ۴.

۴. جلی، أبوالحسین محمد بن علی، باطن الصلاة، ص ۲۷۰؛ مانند آن: طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۸۴ از خصیبی.

۵. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۴۲۰؛ نویسنده ضمن پرداختن به دیگر ندها در این باب، توصیفات پیشین برای غدیر را نیز ذکر می‌کند.

تأکید می‌کند که ندای غدیر با دیگر نداها بر الوهیت و خدایی امامان این تفاوت را دارد که ندای غدیر بر ازلیت و مبدعیت علی علیه السلام از حجاب یا شخص میم (رسول الله) و خطاب به همه عالم، خواه نورانی و خواه کدر، بود.^۱

ج. تحلیل گوناگونی اخبار غدیر در کلام و سیره بزرگان نصیری

آیا منابع نصیری درباره تفاوت اشارات منابع عام با استنادات غالبانه منابع خاص و وجه آن توضیحاتی داده‌اند؟ به نظر می‌رسد گزارش‌های مصادر خاص نصیری درباره غدیر و مسئله وصایت و از جمله آثار غالبانه خصیبه در رمزگشایی از وجه امتناع او از روایت عبارت خطبه مشهور غدیر در الهدایة الکبری^۲ راه‌گشا باشد؛ بدین سان که مخفی کردن بخش اصلی خطبه غدیر، از آن رو بوده است که خصیبه، بنا بر آثار نصیری، آن خطبه را کاملاً متفاوت و ندای الوهیت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌دانسته است. به همین صورت، وجه مسخ مخالفان وصایت در الهدایة در منابع سرتی به روشنی بیان شده است.

پس گرچه تعارض روشنی میان گزارش خصیبه در کتاب عمومی و آثار اختصاصی او در غلو وجود ندارد، اما همین تفاوت‌ها محل توجه قدمای نصیری به قرار گرفته است و وجه این اختلاف‌ها را توضیح داده‌اند. طبرانی در الجواهر می‌گوید: «الهدایة الکبری برای اهل ظاهر و اهدای به سیف الدوله نوشته شده است»^۳؛ اما در الرسالة و در اشعاری مانند غدیریه تقیه نکرده است.^۴

۱. جلی، أبوالحسین محمد بن علی، الأئدیة، ص ۳۳۰؛ ونک: همو، الظهور و البطون، ص ۵؛ دیلمی، ابوصالح، هدایة المسترشد، ص ۱۹۲.
۲. این عبارت در بخش ۱ گذشت: «قال الحسین بن حمدان: إنما تركنا إعادة الإشهاد عند الناس» (خصیبه، حسین بن حمدان، الهدایة، ص ۱۰۳-۱۰۴).
۳. طبرانی، میمون بن القاسم، الجواهر، ص ۳۱؛ عصمة الدوله، محمد بن معز الدوله، الرسالة المصرية، ص ۴۴۲.
۴. طبرانی، میمون بن القاسم، الجواهر، ص ۴۳؛ ونک: حذاء، أبوالخیر سلامة بن احمد، مهدیة الرشاد، ۴۲۳؛ حمین، حسین احمد، قلاند الدرر، ص ۴۴۳؛ ربیع، معلا، الدوحة النامية، ص ۲۵.

در تأیید این دیدگاه می‌توان گفت:

۱. طبرانی برای نظر خود به اشعاری از خصیبه استناد جسته که خود به تقیه در برخی از کلماتش تصریح می‌کند.^۱
۲. شاهد دیگر، اشارات بریده و مبهم خصیبه به عقاید غالبانه در الهدایة الکبری است، که فقط مطلعان بر اسرار نصیریة از آن آگاه می‌شوند.^۲
۳. دیدگاه بزرگان نصیریة درباره مسئله «تقیه» که بنا بر آن لازم می‌دانند عقاید خاص این فرقه را از اهل ظاهر و مقصران پنهان کنند.^۳ و در بحث از مناسک عید غدیر نیز بر لزوم کتمان شراب‌نوشی و آداب اباحی از غیر نصیریان تأکید دارند.^۴
۴. مناسک نصیریان در غدیر نیز نشان می‌دهد که با واقعه شناخته شده غدیر در میان شیعه و سنی تناسبی ندارد و باید ریشه‌های آن را از جاهای دیگر جست. طبرانی اهمیت جلسات عید را آن قدر بالا می‌داند که انگیزه تألیف کتاب الأعیاد، خواندن آن در این جلسات بوده است.^۵ او همانند اخبار واقعه غدیر، آدابش را نیز به تفصیل آورده است.

۱. طبرانی، میمون بن القاسم، الجواهر، ص ۳۱؛ و نک: خصیبه، حسین بن حمدان، دیوان، ص ۱۰۴ و ۱۱۶؛ مرهج، ابراهیم عبداللطیف، شرح دیوان الخصیبه، ص ۳، ۴ و ۲۷۳.
۲. برای نمونه غیر از غدیر، درباره غیبت و نه شهادت امامان، وجه مجازات عبدالله بن سبأ، نوع مطرح کردن نظریه اکوان در خبر رجعت مفضل بن عمر، اجمال و بسط جایگاه خدایی شاهان ایران و تبیین تناسخی - تألیهی آن در خبر بساط (نک: عادل‌زاده، علی و اکبری، عمیدرضا، «رمزواره‌های نصیری در الهدایة الکبری»، سرتاسر)، اجمال و بسط نظریه «ظهور الله» قس: خصیبه، حسین بن حمدان، المائدة، ص ۳۰۰؛ همو، الرسالة، ص ۲۸-۳۱، ۸۳ و ...
۳. اکبری، عمیدرضا، نصیریة، بخش ۳. ۶. ۵.
۴. اذنی، سلیمان افندی، الباکورة السلیمانیة، ص ۴۰. حدیث نصیری «حلال لکم معکم حرام علیکم مع غیرکم». نیز نک: ابن شعبه، حسن بن علی، حقائق أسرارالدین (۲۰۰۶م)، ص ۱۳۹؛ عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۵۹۹.
۵. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۷۰؛ اذنی، سلیمان افندی، الباکورة السلیمانیة، ص ۳۸.

از آداب واجب غدیر نزد نصیریان، نوشیدن خمر مشهور به «عبدالنور» است، که برای آن، همه جمعیت باید بایستند و دست به سوی خدا دراز کنند و دست یکدیگر را ببوسند و از آن بنوشند، و دعا بخوانند.^۱ نصیریان به این شراب نیز به شدت علاقه دارند.^۲ در برخی از عبارات ایشان علاوه بر دست بوسی، به بوسیدن سر و چشم یکدیگر، دستور داده‌اند.^۳

بعد از اطعام، رسم آب‌پاشی نیز باید اجرا شود.^۴ از الأعیاد برمی‌آید این رسوم برگرفته از آیین ایرانی آب‌پاشان است؛ زیرا در نظر نصیریان، واقعه غدیر مصادف با نوروز بوده است.^۵ همچنین، گاه بعد از ذکر نام شاهان ایرانی به استناد فقه الرسالة الرستباشیة^۶ می‌گویند: همان کارهایی را که شاهان ایران در نوروز و مهرگان می‌کردند، در قبه محمدیه به شکل عید فطر و اضحی و غدیر ظهور کرد و سنت جاریه‌ای در شاهان فارس و قبه محمدیه شد.^۷ خصیبی در قصیده نوروز، این روز را به مانند و پیش از غدیر روز ظهور الله در عجم می‌داند.^۸ ایشان مکرراً بر اتخاذ این رسم و نیز دیگر رسوم این اعیاد، مانند گذاشتن

۱. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۶۴؛ اذنی، سلیمان افندی، الباکورة السلیمانیة، ص ۳۹ و ۵۰؛ نک: خصیبی، حسین بن حمدان، دیوان، ص ۱۸۱؛ عانی، منتجب‌الدین محمد بن الحسن، دیوان، ص ۹۸.
۲. برای نمونه، ن.ک: خصیبی، حسین بن حمدان، الرسالة، ص ۵۴؛ عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۳۸۵ و ۵۹۸-۶۰۱؛ طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۱۸۵.
۳. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۶۷.
۴. همان، ص ۶۴.
۵. همان، ص ۱۹۸؛ قس: مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۱۱۹/۵۶. درباره تقارن ۱۸ ذی‌الحجة سال دهم با ۲۸ اسفند، نک: نرم‌افزار سیره معصومان، بخش «گاه‌نامه»؛ شعرانی، ابوالحسن، حاشیه دمع السجوم، ص ۴۶۶.
۶. نک: خصیبی، حسین بن حمدان، الرسالة، ص ۸۸، ۹۱ و ۹۲.
۷. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۱۸۹.
۸. خصیبی، حسین بن حمدان، دیوان، ص ۱۸۱؛ مرهج، ابراهیم عبداللطیف، شرح دیوان الخصیبی، ص ۴۶۰.

اکلیل، آذریون، گل، آس و... بر سر، از شاهان ایرانی تأکید کرده‌اند.^۱ شواهدی از کتاب‌های تاریخ نیز مؤید همین شاخصه ایرانی است؛^۲ چنان‌که عناصر ایرانی در بسیاری از دیگر آرا و کلمات نصیریان نیز هویدا است.^۳

نویسنده کتاب الباکورة السلیمانیة^۴ نیز به تفصیل آداب نصیریان در اواخر را در اعیاد شرح داده است که تناسب بسیار با کتاب‌های سلف نصیری و البته تفصیلات بیشتری دارد.^۵ و از جمله در دعاها، آن، همه باورمندان به خوردن و آشامیدن و ازدواج امیرالمؤمنین علیه السلام را لعن می‌کنند،^۶ و نیز کرامات و معجزات امیرالمؤمنین علیه السلام و شواهدی در الوهیت و خالقیت ایشان را ذکر می‌کنند.^۷

۳. کم‌رنگی برخی دیگر از اخبار معتبر وصایت در مصادر نصیری

غیر از خبر غدیر، نصیریان در مواضع متعدد دیگری نیز اخبار مشهور و معتبر فضل امیرالمؤمنین علیه السلام را مهجور داشته‌اند که در اینجا بررسی می‌شود.

۱. برای نمونه، نک: طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۸؛ همو، مجموع الأعیاد (۲۰۰۶م)، ص ۳۷۴، ۳۷۹، ۳۸۳، ۳۸۲، ۳۸۵، ۳۸۷ و ۳۸۹؛ خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة، ص ۴۲۰.
۲. برای اکلیل نهادن بر سر شاهان فارس نک: ابوالعلاء معری، أحمد بن عبدالله بن سلیمان قضاعی تنوخی، معجز أحمد، ص ۴۳۶؛ ابن سیده، أبوالحسن علی بن إسماعیل مرسی، المخصص، ۳۲۴/۱؛ برای آب پاشان نوروز نک: طبری، أبوجعفر محمد بن جریر بن یزید، تاریخ، ۳۹/۱۰ و ۵۳؛ گردیزی، عبدالحی بن ضحاک، زین الأخبار، ص ۵۱۴-۵۱۵؛ ابن الجوزی، أبوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم، ۳۴۳/۱۲-۳۴۴.
۳. اکبری، عمیدرضا، نصیری، بخش ۳. ۷. ۴.
۴. او از نصیریان بوده و بعداً از این کیش دست شست؛ نک: اکبری، عمیدرضا، نصیری، بخش ۱. ۱. ۲.
۵. اذنی، سلیمان افندی، الباکورة السلیمانیة، ص ۳۷ و ۳۹، منصب‌های مراسم.
۶. همان، ص ۴۶؛ مانند آن: طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۱۶۲. برای ادعیه یا قداس‌های شراب‌نوشی نک: اذنی، سلیمان افندی، الباکورة السلیمانیة، ص ۴۰.
۷. اذنی، سلیمان افندی، الباکورة السلیمانیة، ص ۴۸-۴۹.

الف. نمونه اخبار نبوی

۱. حدیث منزلت

بعد از فحص بسیار از خبر نبوی متواتر «أنت منى بمنزلة هارون من موسى»^۱، صرفاً در مصادر عمومی نصیریان اسنادی اندک و البته ظاهراً غیرنصیری از این خبر یافت شد^۲ و در مصادر خاص نصیریان به کلی یافت نشد. البته عصمة الدولة (م. حدود ۴۵۰ق) در الرسالة المصرية خبری را آورده که بنا بر آن خورشید در برابر ابوبکر و عمر، امیرالمؤمنین ع را با صفات الله؛ مانند «اول و آخر و ظاهر و باطن و بکل شیء علیم» خوانده است، و چون این مطلب بر عمر بن الخطاب سنگین آمد، حضرت رسول الله ص در مقام تقیه چنین توجیهی آورد که: منظور از «اول»، اولین ایمان آورنده، و آخر، آخرین از خلفای چهارگانه است، و چنان که موسی هارون را به خلافت گماشت» درباره خلافت امیرالمؤمنین ع نیز خبر منزلت را خواند، و برای دیگر عبارات نیز تأویلی مخالف غلو ذکر کرد.^۳ او در همین کتاب، دیگر بار خبر منزلت را از سعد بن ابی وقاص، از عثمان روایت کرده است.^۴ روشن است، این نوع گزارش ها را به منظور القای تناسب خبر منزلت با تقیه آورده

۱. برای نمونه اسناد بسیار خبر نک: میلانی، سید علی، نفحات الأذهان، ۲۳/۱۷-۱۷۲؛ ۳۹۰/۱۸-۴۳۶.

۲. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة، ص ۶۴؛ ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۴۱۶، ۴۳۰ و ۴۵۹.

۳. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۲۵۱-۲۵۳؛ در روایات مشابه این تفسیر برای اول و آخر، عبارت خبر منزلت نیست؛ نک: صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۵۱۴/۱-۵۱۵؛ کشی، محمد بن عمر، رجال، ص ۲۱۱؛ خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة، ص ۱۱۹-۱۲۱؛ همو، الرسالة، ص ۳۲-۳۳؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإختصاص، ص ۱۶۳؛ ابن عبد الوهاب، حسین بن عبد الوهاب، عیون المعجزات، ص ۱۰؛ علوی، محمد بن علی، المناقب العتیق، ص ۱۱۴؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، ۲۰۵/۲؛ طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ۴۹۴/۲؛ شیعی سبزواری، حسن بن حسین، راحة الأرواح، ص ۷۶؛ ابن طاووس، علی بن موسی، الیقین، ص ۲۸۸.

۴. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۲۳۹.

است. در کتاب الجواهر نیز طبرانی در احتجاج با کسی که صفات جسمانی را برای امیرالمؤمنین علیه السلام ثابت می‌کند، شدیداً آن را رد کرده، مطالبی؛ مانند خبر «علیّ مّتی کهارون من موسی» را که حریف بدان استناد کرده است، موافق تقیه و ناپذیرفتنی می‌شمرد.^۱ البته در خبری از اخبار عید نهم ربیع در منابع نصیری نیز به وزارت^۲ امیرالمؤمنین علیه السلام برای رسول الله صلی الله علیه و آله اشاره شده.^۳ و ممکن است شاهی هرچند ناکافی بر ریشه غیرنصیری (غالیانه یا غیرغالیانه) این خبر تلقی شود؛ زیرا این تنها گزارشی است که از میان اخبار متعدد نصیری، عید نهم ربیع به چند منبع متأخر امامی راه یافته است.^۴

۲. شواهد حمل تعبیر «صالح المؤمنین» در قرآن^۵ بر امیرالمؤمنین علیه السلام و احتجاج بر اصلحیت ایشان در اخبار شیعی و یا حتی عامی بسیار زیاد است.^۶ اما در مصادر نصیری هیچ شاهی از استناد به این آیه در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام یافت نشد؛ جز آن‌که در تأویلی باطنی آن را بر غیر امام علیه السلام تطبیق داده‌اند. در روایتی از خصیبی از یحیی بن معین سامری، او در محضر امام عسکری علیه السلام از محمد بن نصیر درباره «صالح المؤمنین» می‌پرسد، و ابن نصیر آن را «مقداد» می‌داند! در این گزارش نمادهای ایرانی^۷، حلول و تطبیق‌های تناسخی نیز

۱. طبرانی، میمون بن القاسم، الجواهر، ص ۱۰۱-۱۰۴.

۲. تعبیر «وزارت» برای امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در مصادر نصیریه جز در این خبر یافت نشد. حتی خبر یوم الدار الهدایة الکبری هم در آن تصریح ندارد (خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة، ص ۴۶).

۳. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۱۴۷.

۴. انصاری، حسن، «سرنوشت یک روایت ساختگی درباره نهم ربیع»، سرتاسر.

۵. تحریم: ۴.

۶. برای نمونه: کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، ص ۴۸۹: ۱۰ طریق؛ استرآبادی، سید شرف‌الدین علی، تأویل الآیات، ص ۶۷۴: اشاره به ۵۲ طریق از ابن ماهیار؛ حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ۳۴۱/۲، ش ۱۸؛ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۴۷۴/۱۰: ذکر طرق متعدد عامه؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ۲۷/۳۶، باب ۲۹؛ بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، تفسیر البرهان، ۴۲۰/۵-۴۲۳.

۷. مانند تطبیق بنفشه، نیلوفر و آذریون بر شخص حسین علیه السلام، فاطمه علیها السلام و حمزه.

بسیار است.^۱ به نظر می‌آید اخبار متکثر تطبیق «صالح المؤمنین» بر علی علیه السلام به کلی نمی‌تواند مورد قبول نصیریان واقع شود؛ زیرا - چنان‌که گذشت - در نگاه ایشان حضرت علی علیه السلام نه از سنخ مؤمنان و انسان‌ها، که اله و ربّ عالم است.^۲

۳. حدیث ولایت «یا علی أنت ولی کل مؤمن من بعدی» در مصادر فریقین اسناد بسیار زیادی دارد.^۳ اما این خبر با این تعابیر نیز در میان نصیریان مهجور بوده است، و تنها برخی از کلمات آن در منبع حاشیه‌ای و اسحاقی الجوهرة الطالقانیة دست‌مایه تفسیرهای غالیانه شده است.^۴ و یا در نهایت برخی معاصران در مقام احتجاج بر غیرنصیریان بدان توجه کرده‌اند.^۵

۴. اسناد خبر یوم الدار «أنت أخي و وصي و خلیفتي» نیز در منابع فریقین متعدد است.^۶ در برخی مصادر عامّ نصیریّه از اصل آن نام برده شده، اما محتوای آن را شرح نداده است.^۷ البته در جایی از الهدایة الكبرى این خبر به مانند مصادر فریقین گزارش شده است.^۸ اما این همان سند عامی محمد بن اسحاق است.^۹ اما در نسخه نصیری خبر یوم الدار در کتبی؛ مانند الرسالة المصرية، بدون ذکر

۱. جلی، ابوالحسین محمد بن علی، الجوهریة، ص ۲۸-۳۱.

۲. برای نمونه شواهد بسیار آن‌نک: خصیبی، حسین بن حمدان، الرسالة، ص ۴۰؛ ابن شعبه، حسن بن علی، حقائق أسرار الدین (۲۰۰۶م)، ص ۱۳۶؛ طبرانی، میمون بن القاسم، الدلائل، ص ۱۵۱، ش ۱۷۷؛ دیلمی، ابوصالح، هدایة المسترشد، ص ۱۹۱ و ۱۹۹؛ عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۶۶۴-۶۸۰، حذاء، ابوالخیر سلاّمه بن احمد، مهدیة الرشد، ص ۴۱۸، ۴۲۳ و....

۳. برای نمونه اسناد بسیار: میلانی، سید علی، نفحات الأزهار، ج ۱۵، سرتاسر؛ ج ۱۶، ص ۹-۲۳۲؛ هندی، میرحامد حسین، عبقات الأنوار، مجلد حدیث ولایت، ص ۳۰-۵۸۰.

۴. نک: طرابلسی، محمد بن الحسن، الجوهرة الطالقانیة، ص ۷۴.

۵. از باب نمونه: مسقس، یونس علی یونس حسین، البیان، ص ۱۱.

۶. شوشتری، قاضی نورالله مرعشی، إحقاق الحق، ۸۶/۲۲.

۷. خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة، ص ۱۰۲ و ۱۳۸.

۸. همان، ص ۴۷ و نک: ص ۱۱۶.

۹. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید، تاریخ، ۳۱۹/۲؛ ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، ۴۸/۴۲.

تعبیر «وصی و خلیفتی»، سخن از آن است که پیامبر ﷺ علی را رب و خالق و معبود خود معرفی می‌کند، و سپس به تفصیل بسیار، اوصاف الله را برای علی برمی‌شمارد.^۱

۵. حدیث ثقلین از دیگر روایات بسیار مشهور فریقین است که در وصایت امیرالمؤمنین علی و امامت امامان اهل بیت قابل استناد است. روایات گسترده حدیث ثقلین در فرق شیعی و عامه هر یک در چند جلد گرد آمده است.^۲ با این حال، این روایت نیز به کلی در مصادر نصیری مهجور است، و از منابع مرتبط با ایشان، تنها کتاب الجوهرة الطالقانیة آن را آورده است.^۳

ب. مفردات وصایت در منابع نصیری

بررسی جایگاه برخی مفردات روایات وصایت در مصادر نصیری نیز نکات جالبی را نشان می‌دهد. بنا بر فحص نگارنده، به غیر از اخبار فوق از مصادر عام نصیری، تعبیر «خلیفتی» راجع به امیرالمؤمنین از رسول خدا روایت نشده است؛ زیرا گذشت که نصیریان جایگاه امیرالمؤمنین را بالاتر از رسول الله و رب و اله او می‌دانند. با این حال، نصیریان تعبیر «وصایت» را به کلی ترک نکرده، بلکه برای آن تأویلی ارائه داده‌اند که با عقاید غالبانه‌شان سازگار افتد.

البته اخبار مختلفی از ایشان نیز فقط اشاره سربسته‌ای به این دارد که امیرالمؤمنین افضل و سید اوصیاست.^۴ با این حال، باید دیدگاه ایشان درباره وصایت امیرالمؤمنین را از اخبار و مصادر خاص نصیریان پی‌گرفت تا معلوم

۱. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۱۲۷-۱۳۱.

۲. برای روایات منابع شیعی و عامه، به ترتیب: مرکز الأبحاث العقائدية، موسوعة حدیث الثقلین، ج ۱-۳؛ هندی، میرحامد حسین، عبقات الأنوار، مجلدات حدیث ثقلین.

۳. طرابلسی، محمد بن الحسن، الجوهرة الطالقانیة، ص ۱۳۰.

۴. خصیعی، حسین بن حمدان، الهدایة، ص ۱۰۹ و ۱۲۴؛ عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۹۳؛ خیری از نعمانی؛ همان، ص ۱۰۹؛ خبر تنجیه؛ ابن شعبه، حسن به علی، تحف العقول، ص ۴۱۶؛ نامه به مأمون؛ طبرانی، میمون بن القاسم، المعارف، ص ۱۴۲.

شود که: آیا تفسیر ایشان از وصایت، منافاتی با عقیده ایشان در بحث الوهیت علی ع و افضلیت ایشان بر نبی ص دارد؟

در گزارشی از محمد بن عبدالله بن مهران در الرسالة المصرية در بحث «نیازمندی همه انبیا به اوصیا» تأکید می‌کند که وصی «الاه و ربّ» نبی است. او برای این ادعا از قرآن چنین شاهد می‌آورد: آصف بن برخیا که تخت بلقیس را برای سلیمان به چشم برهم زدنی آورده، وصی او بود، و سلیمان درباره او ربوبیت را به کار برد: «هذا من فضل ربي ليبلوني أشكر أم أكفر»^۱ و این را تصریح بر ربوبیت وصی دانسته، به عبودیت برای او اعتراف کرده است، و به همین نحو عیسی و محمد هم به آستان وصی خود اظهار عجز و احتیاج کرده‌اند. او خبر مشهور «أنت تقضي (مقضي) ديني و تنجز عذاتي»^۲ را شاهد این عقیده غالیانه گرفته است.^۳ غالیان بالا رفتن امیرالمؤمنین ع از شأنه رسول خدا ص در فتح مکه برای تخریب بت‌های بالای کعبه را نیز شاهد دیگری برای تفضیل امیرالمؤمنین ع بر رسول الله ص دانسته‌اند.^۴

خصیبه در الرسالة تصریح می‌کند: همان‌گونه که «اسم و حجاب» الله در هر نبوت و رسالتی قائم است، «ازل» (خالق یا الله) نیز در هر وصیت و امامتی ظاهر می‌شود.^۵ این مطلب به صورت خبری منسوب به امام صادق ع از امیرالمؤمنین ع هم در بسیاری از مصادر نصیری به چشم می‌خورد. تعبیر گزارش چنین است: «ظاهري إمامة و وصية و باطني غيب لا يدرك.»^۶ در مواضع دیگری از الرسالة هم از

۱. نمل: ۴۰.

۲. نک: مرعشی نجفی، شهاب‌الدین، موسوعة الإمامة في نصوص أهل السنة، ۱۱۸/۱، ۱۲۲، ۱۶۵، ۳۶۴، ۳۷۳، ۳۷۸، ۳۸۶، ۳۹۸ و ۴۵۳.

۳. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۲۲۶.

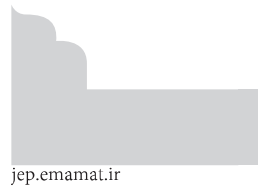
۴. همان، ص ۲۲۷؛ قس: با عکس آن: ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ص ۳۵۰.

۵. خصیبه، حسین بن حمدان، الرسالة، ص ۳۰؛ طبرانی، میمون بن القاسم، الجواهر، ص ۸۶؛ همو، الدلائل، ص ۱۳۳.

۶. الرسالة المفضلية، ص ۱۱؛ ابن شعبه حرانی، محمد، الأصفیر، ص ۲۱۶؛ جلی، محمد بن

همین گزارش در تبیین جایگاه اسم و معنا بهره گرفته شده است. او باطن امامت را «معنویت و لاهوتیت و وحدانیت» دانسته و لذا دیگر امامان را در واقع سید میم (یعنی نبی محمد) شمرده است نه معنا.^۱ نسبت این تحلیل رایج نصیریان با دیگر اعتقاد رایج و البته مضطرب ایشان در شرح این مطلب، که هم امامت و هم معنویت و الوهیت را در حق همه امامان، صادق می‌دانند، ابهام دارد؛ چنان‌که خبر پیش‌گفته را گاه با خبری تفسیر کرده‌اند که بنا بر آن: «هرچه ظاهراً برای الله گفته شده، باطناً درباره امامان است».^۳ در گزارشی منسوب به کتاب التوحید ابن سنان نیز آمده است: «الله باطنی است که درک نمی‌شود و ظاهری که تعقل نمی‌شود؛ پس ظاهر الله همان اوصیا هستند».^۴

عجیب آن‌که خصیبه بر لزوم ظهور الله به صورت وصی چنین استدلال می‌کند که: الله چگونه کسی را که (او را) نمی‌بینید و نمی‌شنود، خطاب قرار دهد؟^۵ او بر مدعای خود به آیات متشابه بسیاری از قرآن استناد جسته است. برخی از پیروانش گفته‌اند: خدایی که یافت نشود معدوم است، و به امام صادق علیه السلام چنین روایتی نسبت داده‌اند که: «هر کس گمان کند که خدا را بدون رؤیت او می‌شناسد، گمراه و بدبخت شده است» و خدایی که رؤیت نشود گویا چیزی



علی، النعمانیة، ص ۳۳؛ طبرانی، میمون بن القاسم، المنصفة، ص ۱۸۳؛ همو، الدلائل، ص ۱۳۹؛ همو، النجحية، ص ۱۲۳؛ همو، الجواهر، ص ۷۳؛ غسانی، عمادالدین، قرفاصیة، ص ۲۵.

۱. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۲۹۳ از خصیبه؛ و قس: خصیبه، الرسالة، ص ۲۳-۳۰.

۲. در نسبت این نظریه به بزرگ فرقه اسحاقیه نک: خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، ۳۸۰/۶.

۳. طبرانی، میمون بن القاسم، النجحية، ص ۱۲۳؛ و نک: ابن شعبه، حسن بن علی، حقائق أسرار الدین (۲۰۰۶م)، ص ۹۷. و قس: همان، ص ۲۶.

۴. ابن شعبه، حسن بن علی، حقائق أسرار الدین (۲۰۰۶م)، ص ۲۷؛ ابن شعبه حرانی، محمد، الأصفیر، ص ۲۰۰.

۵. خصیبه، حسین بن حمدان، الرسالة، ص ۳۰.

۶. همان، ص ۲۸-۳۱.

نیست.^۱ ایشان به اشعاری از خصیبی نیز استناد کرده‌اند.^۲

به نظر می‌رسد رایج‌ترین تفسیر از وصایت در میان نصیریان همان دعایی است که در سندی متصل از اقطاب و ابواب نصیریّه آورده‌اند که: «خدا و خالق جز تو نیست؛ او را در رسالت ظاهر ساختی و خودت در وصایت ظاهر شدی.»^۳ و این که: «هیچ وصی ای نیست، مگر که او علی است»؛ چنان که «هیچ نبی ای مبعوث نشده، جز آن که همان محمد است»؛ و «کسی نیز دشمن این دو نشده، مگر آن که اول و ثانی بوده‌اند».^۴ این مطلب در سراسر فقه الرسالة با صریح‌ترین عبارات به چشم می‌خورد.^۵

ج. رویکرد احتجاج‌گالیانه به اخبار اصیل و غیرنصیری غدیر در برخی منابع غالی

در سوی مقابل روش خصیبی و بسیاری از دیگر نصیریان، گاه برخی از منابع سری غالیان ترجیح داده‌اند که اخبار مشهور مرتبط با غدیر را رد نکنند؛ بلکه با تطبیقش بر صفات الله در قرآن، آن را با اندیشه غالیانه هماهنگ سازند؛ به عنوان مثال در کتاب الجوهرة الطالقية خبر غدیر «من كنت مولاه فعلي مولاه» بر آیه «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى لَهُمْ»^۶ حمل شده است؛ یا شهادت در اذان «أشهد أن علياً ولي الله» را با آیه «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^۷

۱. صویری، علی بن منصور، الرسالة النورية، ص ۴۷؛ و نک: عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۶۴۹.

۲. صویری، علی بن منصور، الرسالة النورية، ص ۵۹؛ طبرانی، میمون بن القاسم، الجواهر، ص ۱۵ و ۸۹.

۳. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۴۲۳؛ طبرانی، میمون بن القاسم، النجحية، ص ۱۸۵.

۴. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۳۲۱.

۵. خصیبی، حسین بن حمدان، الرسالة، ص ۸۴-۹۲.

۶. محمد: ۱۲.

۷. بقره: ۲۵۷.

تطبیق داده است؛ و نیز برای آیات «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^۱ و «فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعَمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعَمَ النَّصِيرِ»^۲، روایت «علی مولى كل مؤمن و ولیه» را شاهد تفسیر نبوی آن گرفته است.^۳

اما باید در نظر داشت که نویسندگان همه این‌ها را در احتجاجی فرضی میان «مُسلم» (نصیری) و عابد الصنم (بت پرست = غیرغالی) نقل می‌کند، و به دلیل احتجاجی بودن گزارش، نمی‌توان به اختلاف دیدگاه مؤلف با بزرگان سلف نصیری درباره خبر غدیر و اخبار وصایت حکم کرد. در بخشی از همین خبر، مُسلم خالقیّت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و ربوبیت ایشان را مطرح می‌کند، و چون عابد الصنم درخواست شاهد از آیات و روایات نبوی می‌کند، مسلم از شواهدی از اخبار نبوی و آیاتی در وصف الله برای مقصودش بهره می‌گیرد.

با این همه، گرچه منابع متأخر نصیری کتاب الجوهرة الطالقانية را منبعی نصیری تلقی کرده‌اند، اما شواهدی نشان می‌دهد که این اثر چه بسا از غالیان غیرنصیری؛ مانند اسحاقیه، بوده است.^۴ نمونه‌هایی از استنادات غالیانه به غدیر از غیرنصیریان گزارش شده که در درجه پایین‌تری نسبت به غلو نصیری است: به غالیان اسماعیلی قرامطه و مبارکیه نسبت داده‌اند که ایشان واقعه غدیر را دلیل انتقال رسالت از رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ دانسته‌اند.^۵

به هر حال، گواه بسیار مهم بر احتجاجی بودن یا دست‌کم نصیری نبودن استناد به اخبار نبوی ولایت، در کتاب مجموع الأعیاد آمده است. طبرانی در

۱. شوری: ۹.

۲. شوری: ۹.

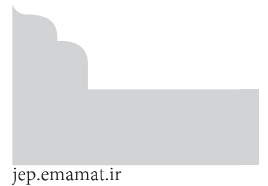
۳. انفال: ۴۰.

۴. طرابلسی، محمد بن الحسن، الجوهرة الطالقانية، ص ۷۴.

۵. همان، ص ۷۳.

۶. اکبری، عمیدرضا، نصیری، بخش ۲. ۲۰۷.

۷. اشعری قمی، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، ص ۸۳؛ نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعة، ص ۷۲-۷۳.



جایی بعد از آوردن عبارت «من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله»^۱ تأکید می‌کند که این به روایت «شیعه مقصره» است. اما اهل توحید آن را «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَعْنَاهُ» روایت می‌کنند، که بیان معنویت امیرالمؤمنین عليه السلام است؛ چراکه غدیر روز ظهور و کشف و از روزهای ندا در قبه محمدیه است؛ که در آن معنا (الله) با ذاتش ظهور کرده است.^۲ چنان‌که در تحریفی دیگر، افزون بر این، غالیا عبارت اعتراف‌گیری خطبه نبوی غدیر «ألست أولى بكم من أنفسكم»^۳ را به «ألست بربكم» تبدیل کرده‌اند.^۴ ولی برخی متأخران نصیری تعابیر غالیانه و غیرغالیانه را در کنار هم پذیرفته‌اند.^۵

در موضعی از کتاب الأعیاد نیز تأکید می‌شود که نصب به امامت امیر مؤمنان عليه السلام در غدیر، روایت «ظاهرية شيعية» است، و به روایت برخی از فضایل غدیر توسط اهل ظاهر اشاره می‌کند.^۶ طبرانی در النجحية می‌گوید: اهل حق از

۱. برای نمونه منابع نخستین این عبارت نک: هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ۶۴۴/۲، ۷۵۸، ۸۲۷، ۸۳۷، ۸۸۸؛ سالم بن ابی عمره، «الأصل»، الأصول الستة عشر، ص ۳۳۳؛ مدنی زرقی، اسماعیل بن جعفر بن ابی‌کثیر، حدیث علی بن حجر عن اسماعیل بن جعفر، ص ۵۲۴ و ۵۲۶؛ ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد العسبی، المصنف، ۳۶۸/۶، ۳۶۹ و ۳۷۲؛ ابن حنبل، احمد، فضایل الصحابة، ۵۸۵/۲، ۵۸۶، ۵۹۶، ۵۹۹، ۶۱۰، ۶۸۲ و ۷۰۵.

۲. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۵۴؛ نیز نک: حمین، حسین احمد، غنیمة السفر، ص ۱۰۸.

۳. برای نمونه منابع نخستین این عبارت نک: هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ۸۳۶/۲ و ۸۸۸؛ مدنی زرقی، اسماعیل بن جعفر بن ابی‌کثیر، حدیث علی بن حجر عن اسماعیل بن جعفر، ص ۵۲۵؛ ابن ابی شیبہ، عبدالله بن محمد العسبی، المصنف، ۳۷۴/۶؛ ابن حنبل، احمد، فضایل الصحابة، ۷۲۳/۲ و ۷۲۵.

۴. ابن محور، صفی‌الدین، رساله، ص ۶۲.

۵. التعليم الديني، ص ۲۳ و ۲۹؛ «من كنت مولاه فعلي مولاه وربّه اللهم عاد من عاداه واخذل من خذله وانصر من نصره». با تشکر از آقای تقدمی که پس از تدوین مقاله، این شاهد را در قالب کتاب مفیدشان در اختیار نویسنده نهادند (تقدمی، امیر، المنیر فی نبأ النبی صلى الله عليه وآله من الغدير، ۶۲۹/۱۱؛ نیز نک: ص ۶۲۷-۶۴۱؛ روایات غدیر در نصیریه).

۶. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۵۵.

استدلال بر «معل العلل» بودن امیرالمؤمنین کاملاً مستغنی هستند، و این دلایل در واقع برای طایفه مفوضه و مقصره باید اقامه شود که قائل به «امامت و وصایت» علی علیه السلام، و منکر «لاهویت و معنویت» ایشان هستند، و «به خاطر قساوت قلب هایشان به ظاهر علم متمسک هستند» و آیه «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ»^۱ درباره ایشان است.^۲ بنا بر این دیدگاه، اساس غدیر هم فقط برای اعلان الوهیت حضرت امیر علیه السلام به غیر مؤمنان دانسته می شود.

با این حال، طبرانی بارها تذکر می دهد که همه روایاتی را که از اهل ظاهر روایت می کند، آنان بر صحتش اجماع دارند، و اهل باطن (از قبل) مُقَرَّب به «توحید و الوهیت» مولا بودند^۳؛ چنانکه بعد از روایتی از شیخ مفید در آداب غدیر^۴، آن را از «أدعية أهل التقصير و الحيرة» می خواند و روشی دیگر را ذکر می کند.^۵ همچنین او خبر انکار فهری راجع به حقانیت امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیر و نزول بلا بر او را می آورد^۶ و بعد از آن می گوید: «هذا ما رواه أهل الظاهر بالإجماع».^۷

به ظاهر عموم استنادات نصیریان به اخبار غیرنصیری یا به اخباری است که آن را به نحوی با عقاید غالبانه خود قابل جمع می دانند؛ یا آن را در مقام احتجاج در برابر دیگر غالبان یا احتجاج فرضی در برابر غیرغالبان می آورند، و به هر حال با تصریحات ایشان بر عقاید غالبانه، معارضه روشنی ندارد. نمونه ای از آن، گزارش تبریک گفتن عمر بن الخطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام در غدیر است^۸، که این قضیه

۱. روم: ۷.

۲. طبرانی، میمون بن القاسم، النجحية، ص ۱۷۹.

۳. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۸۰، بعد از خبر نادر تلعبیری.

۴. نک: مفید، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، ص ۲۰۴.

۵. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۸۱.

۶. همان، ص ۸۲؛ کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات، ص ۵۰۵؛ استرآبادی، سید شرف الدین علی، تأویل الآیات، ص ۶۹۷؛ و نک: حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ۳۸۱/۲.

۷. طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۸۳.

۸. برای نمونه، ن. ک: طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد (۱۹۴۳م)، ص ۸۳: «بخ یخ یا ابن ابي طالب أصبحت مولاي و مولی کل مؤمن و مؤمنة».

و نیز اعتراف ابلیس به ربوبیت الله و برخی اعترافات مشابه را زمینه ساز پاداش حکومت دنیایی و ازلیت ضد در همراهی معنا شمرده‌اند.^۱

گرایش بسیاری از نصیریان معاصر به گزارش غالبانه سلف ایشان درباره غدیر در بسیاری از کتاب‌های اختصاصی ایشان شواهد متعددی دارد؛^۲ اما در عین حال برخی از محافظه‌کاران علوی در آثار عمومی خود برای معرفی علویه نصیری به ذکر خبر مشهور غدیر اکتفا کرده، متعرض بحث از اخبار بسیار پیشینیان خود نشده‌اند.^۳ به دلیل تهافت‌های آثار دسته اخیر^۴ نمی‌توان درباره دیدگاه ایشان قضاوت قطعی کرد.

نتیجه

۱. خطابیان و نصیریان به روایت خطبه مشهور غدیر و اسناد آن اقبال چندانی نشان نداده‌اند. اخبار منابع عام نصیری در زمینه غدیر، یا از اساس با اسناد دیگر فرقی هستند، و گاه این‌که مؤلفش در زمان گردآوری کتابش نصیری باشد، محل تردید است؛ یا در غیر این حالات به صورت اشاره‌وار و مبهم گزارش شده و دیدگاه این فرقه درباره غدیر را تبیین نمی‌کنند.

۲. اخبار نصیری غدیر در منابع خاص نصیری همگی به اتفاق بحث غدیر را اعلان الوهیت امیرالمؤمنین علیه السلام برای عموم می‌دانند، و کلمات خود نویسندگان

۱. عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، ص ۵۲۴-۵۲۵.

۲. نک: ارجاعات مقاله به احمد حسین حمین، معلا ربیع، یونس حسین مسقس، ابراهیم عبداللطیف مرهج و... .

۳. عاصی، اسد علی، العلویون: تاریخاً و مذهباً، ص ۶۸؛ ابراهیم، علی عزیز، العلویون فی دائرة الضوء، ص ۲۱۳ و... .

۴. برای نمونه از استفاده‌های تحریف‌گونه ایشان از منابع خود به منظور تقیه و کتمان عقاید قس: عاصی، اسد علی، العلویون: تاریخاً و مذهباً، ص ۲۶۳؛ مرهج، ابراهیم عبداللطیف، شرح دیوان الخصیبي، ص ۴۵۸؛ و نک: حاج امینی، حمید، «ناهمخوانی معنا دار بین روایات منقول از امام هادی علیه السلام در تصحیح‌های مختلف کتاب الهدایة الكبرى؛ تحلیل و تبیین علل و پی آمدها»، شیعه پژوهی، ش ۱۱، سرتاسر؛ اکبری، عمیدرضا، نصیری، بخش ۵.۶.۳.

آن نیز در این زمینه صریح است؛ بلکه با انواعی از تأویل باطنی در ردّ معنای خبر مشهور غدیر کوشیده‌اند.

۳. گاهی اخبار غیرنصیری مربوط به غدیر به مصادر سَرّیِ غالیان راه یافته، ولی آنان با ارائه تأویلاتی آن را قابل جمع با عقاید غالیانه دانسته‌اند؛ یا آن را در مقام احتجاج بر عقاید غالیانه در برابر غیرخود آورده‌اند. با این حال، منابع حاوی همین اندک استنادات نیز احتمالاً از غالیان غیرنصیری است. با وجود احتجاج گسترده شیعیان به این اخبار برای وصایت امیر مؤمنان علیه السلام، در میان غالیان کمتر پیشینه‌ای از استناد به آن بدین منظور یافت می‌شود.

۴. تفاوت‌های روش بیان غدیر در مصادر عام و خاصّ نصیری به دلیل تفاوت مخاطبان ایشان و رویکرد تقیه‌ای موجود در مصادر عام است. سیره نصیریان در مناسک غدیر نیز متناسب با رویکردهای غالیانه و اباحی، و نیز برخی از رسوم ایران باستان است.

۵. غالیان نصیری؛ مانند خبر غدیر، در مواضع بسیاری از مصادر خاصّ خود نیز اخبار مشهور و معتبر فضل امیرالمؤمنین علیه السلام را مهجور داشته، یا آن را به معانی موافق الوهیت امیرالمؤمنین علیه السلام تحریف کرده‌اند، و به نحو کلی پیشینه استناد به این نوع اخبار برای حقانیت خلافت بلافضل امیرالمؤمنین علیه السلام، بر خلاف امامیه، در میان این غالیان سلف بسیار کم‌رنگ بوده است.

بنابراین، دیدگاه و اخبار خاصّ نصیریان و رویکرد ایشان به مسئله غدیر و... تناسب و سنخیتی با روش امامیه و دیگر فرّق شناخته‌شده غیرغالی ندارد.



کتاب‌ها

قرآن کریم.

ابراهیم، علی عزیز، العلویون فی دائرة الضوء، چاپ سوم: مرکز الغدیر، بیروت، ۱۴۳۲ق.
ابن‌ابی‌شیبیه، عبدالله بن محمد العبسی، المصنف، به کوشش: کمال یوسف الحوت،
چاپ اول: مکتبه الرشد، ریاض، ۱۴۰۹ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، چاپ ششم: کتابچی، تهران، ۱۳۷۶ش.
ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تصحیح: مهدی لاجوردی، چاپ اول:
جهان، تهران، ۱۳۷۸ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرائع، چاپ اول: کتابفروشی داوری، قم، ۱۳۸۵ش.
ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ
دوم: اسلامیه، تهران، ۱۳۹۵ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ اول: دفتر
انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۳ق.

ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب من لایحضره الفقیه، چاپ دوم: دفتر انتشارات اسلامی،
قم، ۱۴۱۳ق.

ابن الجوزی، أبوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق:
محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول: دار الکتب العلمیه،
بیروت، ۱۴۱۲ق.

ابن حنبل، احمد، فضایل الصحابة، تحقیق: وصی الله بن محمد عباس، چاپ چهارم، دار
ابن الجوزی، قاهره، ۱۴۳۰ق.

ابن سیده، أبوالحسن علی بن إسماعیل مرسی، المخصص، تحقیق: خلیل ابراهیم جفال،
چاپ اول: دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۷ق.

ابوالعلاء معری، أحمد بن عبدالله بن سلیمان قضاعی تنوخی، معجز أحمد (شرح لدیوان
المتنبی)، بی‌نا، بی‌تا، بی‌جا.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح: علی اکبر غفاری،
چاپ دوم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۰۴ق.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، التمیحیص، چاپ اول: مدرسه الإمام المهدي علیه السلام،
قم، ۱۴۰۴ق.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، حقائق أسرار الدین، سلسله تراث علوی، ج ۴، تحقیق:
ابوموسی الحریری، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، ۲۰۰۶م.

ابن شعبه حرانى، حسن بن على، حقائق أسرار الدين، تصحيح: حسن يونس حسن، المجموعة الكاملة - نشر الكترونيك، بي جا، ٢٠١٦م.

ابن شعبه حرانى، محمد، الأصفى، سلسلة تراث علوى ٤، تحقيق: ابوموسى الحريرى، بي جا، دار لأجل المعرفة، لبنان، ٢٠٠٦م.

ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل أبي طالب عليه السلام، چاپ اول: علامه، قم، ١٣٧٩ق.

ابن طاووس، علي بن موسى، اليقين ياخصاص مولانا على عليه السلام يامرة المؤمنين، تحقيق: اسماعيل انصارى زنجانى خوئينى، چاپ اول: دار الكتاب، قم، ١٤١٣ق.

ابن عبد الوهاب، حسين بن عبد الوهاب، عيون المعجزات، چاپ اول: مكتبة الداورى، قم، بي تا.

ابن محور، صفى الدين، رساله، در: الردّ على الحلويين، سلسلة تراث العلويين، ج ١٢، تحقيق: ابوموسى حريرى، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، بيروت، ٢٠٠٦م.

ابن معمار، أبو عبد الله البغدادي، الجدول النوراني، بي جا، المجموعة الكاملة - نشر الكترونيك، بي جا، ٢٠١٦م.

ابوالمطلب، جعفر بن محمد بن المفضل، آداب عبدالمطلب، (آداب الدين)، سلسلة التراث العلوى، ج ٦، تحقيق: أبو موسى و شيخ موسى، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، ٢٠٠٧م.

ابوموسى الحريرى، سلسلة تراث علوى، مقدمه جلد ٥، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، ٢٠٠٦م.

إثبات الوصية، منسوب به على بن حسين مسعودى، چاپ سوم: انصاريان، قم، ١٤٢٦ق.

اذنى، سليمان افندى، الباكورة السليمانية في كشف أسرار الديانة النصيرية، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، بيروت، ١٩٨٨م.

الرسالة المفضلية، منسوب به مفضل بن عمر جعفرى، سلسلة تراث العلويين، ج ٦، تحقيق: أبو موسى حريرى، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، ٢٠٠٦م.

استرآبادى، سيد شرف الدين على، تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، تصحيح: حسين استادولى، چاپ اول: النشر الإسلامى، قم، ١٤٠٩ق.

اشعرى قمى، سعد بن عبد الله، المقالات والفرق، چاپ دوم: علمى وفرهنگى، بي جا، ١٣٦٠ش.

اكبرى، عميدرضا، نصيريه متقدم: تاريخ و منابع و عقايد، چاپ اول: دانشگاه اديان، قم، ١٤٠٢ش.

امينى، عبدالحسين، الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، چاپ اول: مركز الغدير، قم، ١٤١٦ق.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تصحیح: قسم الدراسات الإسلامية مؤسسة البعثة، چاپ اول: بعثة، قم، ۱۳۷۴ ش.

برسی، رجب، مشارق أنوار الیقین فی أسرار المؤمنین علیہ السلام، تحقیق: علی عاشوری، بی چا، مؤسسة الأعلمی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.

التعلیم الدینی، تحقیق: ابوموسی الحریری، سلسلة تراث العلویین، ج ۹، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، بیروت، ۲۰۰۸ م.

تقدمی، امیر، المنیر فی نبأ النبی صلی الله علیه و آله من الغدیر، در دست نشر.

جلّی، أبوالحسین محمد بن علی، الأندیة، سلسلة تراث علوی، ج ۲، تحقیق: ابوموسی و الشیخ موسی، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، ۲۰۰۶ م.

جلّی، أبوالحسین محمد بن علی، باطن الصلاة، تحقیق: ابوموسی الحریری، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، ۲۰۰۶ م.

جلّی، أبوالحسین محمد بن علی، الرسالة الجوهریة، بی چا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیك، archive.org، بی چا، ۲۰۱۶ م.

جلّی، أبوالحسین محمد بن علی، رسالة الظهور و البطون، بی چا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیك، بی چا، ۲۰۱۶ م.

جلّی، أبوالحسین محمد بن علی، الرسالة النعمانیة، تحقیق: ابوموسی الحریری، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، ۲۰۰۶ م.

حذاء، أبوالخیر سلامة بن احمد، مهدیة الرشاد، سلسلة تراث علوی، ج ۱۱، تحقیق: ابوموسی، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، بی تا.

حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تصحیح: محمد باقر محمودی، چاپ اول: وزارت ارشاد اسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، تهران، ۱۴۱۱ ق.

حمّین، حسین احمد، دانیة القطوف فی أسرار الحروف، بی چا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیك، archive.org، بی چا، ۲۰۱۶ م.

حمّین، حسین احمد، غنیمة السفر و بلوغ الوطو، رداً علی رسالة درة الدرر، بی چا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیك، archive.org، بی چا، ۲۰۱۶ م.

حمّین، حسین احمد، قلاند الدرر و بهجة الصور رداً علی المختصر، بی چا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیك، بی چا، ۲۰۱۶ م.

خزاز زازی، علی بن محمد، كفاية الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، تصحیح: عبداللطیف حسینی کوهکمری، بی چا، بیدار، قم، ۱۴۰۱ ق.

خصیصی، حسین بن حمدان، دیوان، تحقیق: س. حبیب، چاپ اول: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۲۰۰۱م.

خصیصی، حسین بن حمدان، الرسالة الرستباشیة و فقه الرسالة، سلسله تراث علوی ۲، تحقیق: ابوموسی الحریری، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، ۲۰۰۶م.
خصیصی، حسین بن حمدان، الفرق بین الرسول و المرسل، بی جا، نسخه خطی، خط ابراهیم العدبة، ۱۴۱۷ق.

خصیصی، حسین بن حمدان، المائدة، تحقیق: هاشم عثمان، چاپ اول: مؤسسه النور للمطبوعات، بیروت، ۱۴۳۲ق.

خصیصی، حسین بن حمدان، الهدایة الكبرى، بی جا، البلاغ، بیروت، ۱۴۱۹ق.
خطیب بغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون، بیروت، ۱۴۱۷ق.

دیلمی، ابوصالح، هدایة المسترشد، سلسله تراث العلویین، ج ۸، تحقیق: ابوموسی الحریری، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، بیروت، ۲۰۰۸م.
ذهبی، محمد بن أحمد بن عثمان، سیر أعلام النبلاء، چاپ اول: دار الحدیث، قاهره، ۱۴۲۷ق.

ربیع، معلا الدوحة النامیة، بی جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیک archive.org، بی جا، ۲۰۱۶م.

سألم بن أبی عمره، «الأصل»، الأصول الستة عشر، تصحیح: ضیاء الدین محمودی، نعمت الله جلیلی و مهدی غلامعلی، چاپ اول: مؤسسه دار الحدیث الثقافیة، قم، ۱۴۲۳ق.
شعرانی، ابوالحسن، دمع السجوم در ترجمه نفس المهموم عباس قمی، چاپ اول: هجرت، قم، ۱۳۸۱ش.

شوشتری، قاضی نورالله مرعشی، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، تعلیق: سید شهاب مرعشی نجفی، بی جا، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، قم، ۱۴۰۹ق.

شیعی سبزواری، حسن بن حسین، راحة الأرواح در شرح زندگانی، فضایل و معجزات ائمه اطهار عليهم السلام، چاپ دوم: اهل قلم، تهران، ۱۳۷۸ش.

صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تحقیق: محسن کوچه باغی، چاپ دوم: قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.

صویری، علی بن منصور، الرسالة النوریة، بی جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیک archive.org، بی جا، ۲۰۱۶م.

طبرانی، میمون بن القاسم، الجواهر فی معرفة العلی القادر، بی جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیک archive.org، بی جا، ۲۰۱۶م.

طبرانی، میمون بن القاسم، الدلائل فی المسائل، سلسله تراث علوی ۳، تحقیق: ابوموسی الحریری، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، ۲۰۰۶م.

طبرانی، میمون بن القاسم، النجحية (الرد على المرتد)، سلسله تراث علوی ۱۱، تحقیق: ابوموسی الحریری، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، بی تا.

طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد، تحقیق: اشتروطمان، بی جا، مجلة الاسلام، هامبورگ، ۱۹۴۳م.

طبرانی، میمون بن القاسم، مجموع الأعیاد، بی جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیک archive.org، بی جا، ۲۰۱۶م.

طبرانی، میمون بن القاسم، المعارف و تحفة لكل عارف، بی جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیک archive.org، بی جا، ۲۰۱۶م.

طبرانی، میمون بن القاسم، المنصفة فی حقیقة المعرفة، سلسله تراث علوی ۳، تحقیق: ابوموسی الحریری، چاپ اول: دار لأجل المعرفة، لبنان، ۲۰۰۶م.

طبری، أبوجعفر محمد بن جریر بن یزید، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق: محمد أبوالفضل ابراهیم، چاپ دوم: دار التراث، بیروت، ۱۳۸۷ق. ۱۹۶۷م.

طرابلسی، محمد بن الحسن، الجوهرة الطالقانية، تصحیح: حسن یونس حسن، بی جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونیک، بی جا، ۲۰۱۶م.

طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، مؤسسه بعثت، چاپ اول: دار الثقافة، قم، ۱۴۱۴ق.

طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسی، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۳ش.

طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، تحقیق: عبادالله تهرانی، چاپ اول: دار المعارف الإسلامية، قم، ۱۴۱۱ق.

طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهدّد و سلاح المتعبّد، چاپ اول: مؤسسة فقه الشیعة، بیروت، ۱۴۱۱ق.

طبرسی، احمد بن علی بن أبی طالب، الإحتجاج علی أهل اللجاج، چاپ اول: نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، چاپ سوم: ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.

عاصی، اسد علی، العلویون تاریخاً و مذهباً، چاپ اول: دار المحجة البيضاء، بیروت، ۱۴۳۲ق.

عانی، منتجب الدین محمد بن الحسن، دیوان، تحقیق: هاشم عثمان، چاپ اول: مؤسسة النور، بیروت، ۱۴۲۳ق.

عثمان، هاشم، الخصيبي حياته و آثاره و يليه كتاب المائدة، چاپ اول: مؤسسة النور، بيروت، ۱۴۱۳ق-۲۰۱۱م.

عصمة الدولة، محمد بن معز الدولة، الرسالة المصرية، بی جا، المجموعة الكاملة، بی جا، ۲۰۱۶م.

علوی، محمد بن علی، المناقب العتيق، تصحيح: حسين موسوی بروجردی، چاپ اول: دليل ما، قم، ۱۴۲۸ق.

غسانی، عمادالدين، قفاصيه، بی جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونيک archive.org، بی جا، ۲۰۱۶م.

کشی، محمد بن عمر، اختيار معرفة الرجال (رجال الكشي)، تحقيق: حسن مصطفوی، چاپ اول: دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۴۰۹ق.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحيح: علی اکبر غفاری، چاپ چهارم: دار الکتب الاسلاميه، تهران، ۱۴۰۷ق.

کوفی، فرات بن ابراهيم، تفسير فرات الکوفي، تصحيح: کاظم، محمد، چاپ اول: وزارت ارشاد، تهران، ۱۴۱۰ق.

گردیزی، عبدالحی بن الضحاک، زين الأخبار، چاپ اول: دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳ش.

مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، چاپ دوم: دار احیاء التراث العربي، بيروت، ۱۴۰۳ق.

مجلسی، محمدتقی، روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، چاپ دوم: مؤسسه کوشانپور، قم، ۱۴۰۶ق.

مدنی زرقی، اسماعیل بن جعفر بن أبي كثير، حديث علي بن حجر السعدي عن اسماعيل بن جعفر المدني، تحقيق: عمر بن رفود بن رفيد السفياني، چاپ اول: مكتبة الرشد، ریاض، ۱۴۱۸ق-۱۹۹۸م.

مرعشي نجفي، شهاب الدين، موسوعة الإمامة في نصوص أهل السنة، به كوشش: محمود مرعشي و محمد اسفندياري، بی جا، صحيفه خرد، قم، ۱۴۳۰ق.

مرهج، ابراهيم عبداللطيف، شرح ديوان الحسين بن حمدان الخصيبي، به كوشش: سلمان عزيز على اسعد، بی جا، لادقيه، بی نا، ۱۴۳۶ق.

مسقس، يونس علي يونس حسين، البيان بمعرفة الرحمن، بی جا، المجموعة الكاملة - نشر الکترونيک archive.org، بی جا، ۲۰۱۶م.

مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، الإختصاص، تصحيح: علی اکبر غفاری و محمود محرمی زرندي، چاپ اول: کنگره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ق.

مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، المقنعة، چاپ اول: کنگره شيخ مفيد، قم، ۱۴۱۳ق.

مركز الأبحاث العقائدية، موسوعة حديث الثقلين، چاپ اول: مركز الأبحاث العقائدية، قم، ۱۴۳۱ق.

میلانی، سید علی، نفحات الأزهار في خلاصة عبقات الأنوار، چاپ سوم: الحقائق، قم، ۱۳۸۷ش.

نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، چاپ ششم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۵ش.

نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغيبة، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ اول: صدوق، تهران، ۱۳۹۷ق.

هلالی، سلیم بن قیس، سلیم بن قیس، تحقیق: محمد انصاری زنجانی، چاپ اول: الهادی، قم، ۱۴۰۵ق.

هندی، میرحامدحسین، عبقات الأنوار في إمامة الأئمة الأطهار، چاپ دوم: کتابخانه امیرالمؤمنین، اصفهان، ۱۳۶۶ش.

نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشيعة، چاپ دوم، دار الأضواء، بیروت، ۱۴۰۴ق.

مقالات

انصاری، حسن، «سرنوشت یک روایت ساختگی درباره نهم ربیع»، آذر ۱۳۹۵، در:

1867/ansari.kateban.com/post

باقری، حمید، «پژوهشی در انتساب چند اثر جدید الإبتشار به أبو محمد حسن بن علی بن شعبة حرّانی، محدث شناخته شده شیعی»، علوم حدیث، شماره ۷۴، زمستان ۱۳۹۳ش.

حاج امینی، حمید، «ناهمخوانی معنادار بین روایات منقول از امام هادی علیه السلام در تصحیح‌های مختلف کتاب الهدایة الكبرى، تحلیل و تبیین علل و پی‌آمدها»، شیعه پژوهی، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۶ش.

رحمتی، محمدکاظم، «حسین بن حمدان خصیبی و اهمیت وی در تکوین نصیریه»، هفت آسمان، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۵ش.

عادل‌زاده، علی، و اکبری، عمیدرضا، «رمزواره‌های نصیری در الهدایة الكبرى»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۷۱، ص ۱۶۷-۲۰۱، ۱۴۰۱.

A Conceptual Analysis of *Al-Shiqshiqiyya* Sermon, Emphasizing The Highlighting Through *Metaphor and Allusion

Muhammad Mousavi Bafrouei^{1/} Muhammad Ghafouri Manesh^{2/} Ahmad Zari³ Zardini^{3/} Razieh Nazari⁴

Research Article

Emamatpajouhi,
Twelfth year, vol .1
spring & summer & winter 2022
DOI: 10.22034/
jep.2021.241889.1212
jep.emamat.ir



Abstract:

The 3rd sermon of *Nahj al-Balagha*, called *Al-Shiqshiqiyya*, consists of the greatest linguistic objectives in the most brilliant rhetorical formats. One of the marvelous literary formats refers back to various metaphors and allusions applied by Imam Ali (PBUH) within the sermon. Examining the metaphors and allusions, it is found that this sermon is beyond the level of standard speech and norm so that can be highlighted in the addressees' mind. Of course, the process of highlighting is performed through various methods. Concentrating on the conceptual aims of Imam Ali (PBUH), this study has merely evaluated the methods of metaphor and allusion. Using the descriptive-analytical method, the results of the study show that the examination of metaphorical and allusive highlights in the *al-Shiqshiqiyya* sermon leads the addressees toward profound purposes and objectives e.g. the true position of the Imamate, Imam's perspective on people and state, some behavioral traits of the antecedent caliphs, as well as presenting the current and past situation of the community. Comprehending such objectives plays a pivotal role to analyze Imam Ali's (PBUH) discourse of Imamate in Shiite thought

Keywords: Imam Ali (PBUH), *Al-Shiqshiqiyya* Sermon, Highlighting, Metaphor, Allusion

* Date of receipt: 18/12/2022, Date of acceptance: 20/12/2023.

1. Corresponding author; Associate Professor, Department of the Qur'an and Hadith Sciences, University of Meybod, Meybod, Iran, mohamad_smm@yahoo.com
2. Ph.D. Candidate of Nahj al-Balaghah Sciences and Education, University of Meybod, Meybod, Iran, m.ghafoorimanesh@gmail.com
3. Associate Professor, Department of the Qur'an and Hadith Sciences, University of Meybod, Meybod, Iran, zareardini@meybod.ac.ir
4. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, University of Meybod, Meybod, Iran, r.nazari@meybod.ac.ir

تحليل مفاهيم الخطبة الشقشقية بالتركيز على البروز (التصوير) بطريقة الاستعارة والكناية*

محمد موسوي بفرؤني (المؤلف)^١ / محمد غفوري منش^٢ / أحمد زارع زرديني^٣ / راضية نظري^٤

الخلاصة:

تدعى الخطبة الثالثة في نهج البلاغة بـ "الشقشقية"، وقد اشتملت على أسمى الغايات الكلامية بأجمل الصيغ البلاغية، وإحدى الصيغ الأدبية المثيرة للإعجاب التي اشتملت عليها هذه الخطبة هي الاستعارات والكنائيات التي استخدمها الإمام أمير المؤمنين عليه السلام فيها. ومن خلال دراسة هذه الاستعارات والكنائيات تبين أن هذا الكلام يتجاوز مستوى الكلام القياسي والطبيعي، ويستدعي البروز (التصوير) في ذهن المستمع.

وهذا البروز (التصوير)، بالطبع، يتحقق بطرق وأساليب مختلفة، منها: أسلوب الاستعارة والكناية، وهي ما تناولها البحث الحالي دون غيرها، من خلال التركيز على ماهية الأهداف المفاهيمية للإمام عليه السلام.

منهج هذه المقالة هو: وصفي-تحليلي، ونتائجه تبين أن كل مورد من موارد البروز (التصوير) الاستعاري والكنائي في الخطبة الشقشقية يكفي لسوق المستمع إلى الأهداف والغايات العميقة التي تضمنتها، مثل: المقام الحقيقي للإمامة، رؤية الإمام عن الناس والحكومة، بعض الخصائص السلوكية لمن سبقه من الخلفاء، ثم تحديد صورة للوضع الحالي والمنصرم... الإحاطة بمثل هذه الغايات وفهمها له دور بناء في تحليل الكلام في إمامة الإمام عليه السلام في الفكر الشيعي.

الكلمات الرئيسية: الإمام عليه السلام، الخطبة الشقشقية، الإبراز، الاستعارة، الكناية.

* تاريخ الاستلام: ١٨ ديسمبر ٢٠٢٢ م. تاريخ القبول: ٢٠ ديسمبر ٢٠٢٢ م.

١. أستاذ مساعد لقسم العلوم القرآنية والأحاديث بجامعة ميبد، محافظة يزد، إيران
mohamad_smm@yahoo.com

٢. طالب دكتوراه في حقل العلوم والمعارف في كتاب نهج البلاغة بجامعة ميبد، محافظة يزد، إيران
m.ghafoorimanesht@gmail.com

٣. أستاذ مشارك لقسم العلوم القرآنية والأحاديث بجامعة ميبد، محافظة يزد، إيران
zareardini@meybod.ac.ir

٤. أستاذة مساعدة لقسم الفقه ومبادئ القانون الإسلامي بجامعة ميبد، محافظة يزد، إيران
r.nazari@meybod.ac.ir

مقالة محكمة

امامت پژوهشی
السنة الثانية عشرة
العدد الأول، الربيع
والصيف سنة ٢٠٢٢

jep.emamat.ir



copyright © the authors

تحلیل مفهومی خطبه شقشقیه، با تأکید بر برجسته‌سازی به شیوه استعاره و کنایه*

محمد موسوی بفرولی^۱ / محمد غفوری منش^۲ / احمد زارع‌زردینی^۳ / راضیه نظری^۴

چکیده

سومین خطبه نهج البلاغه، «شقشقیه» نام دارد که در آن، بالاترین مقاصد کلامی در زیباترین قالب‌های بلاغی ارائه شده است. یکی از قالب‌های ادبی اعجاب‌برانگیز، استفاده از استعاره‌ها و کنایه‌های متعددی است که امام علی علیه السلام در طی این سخنرانی به کار گرفته است. با بررسی استعاره‌ها و کنایه‌های مذکور دریافت می‌شود که این کلام از سطح سخن معیار و هنجار، فراتر است و موجب برجسته‌سازی در ذهن مخاطب می‌شود. البته برجسته‌سازی از طریق شگردهای مختلفی صورت می‌پذیرد که پژوهش پیش رو، تنها شگردهای استعاره و کنایه را با محوریت چپستی اغراض مفهومی امام علی علیه السلام مورد تحقیق قرار داده است. روش این مقاله توصیفی - تحلیلی است و نتایج آن نشان می‌دهد که بررسی هر یک از برجسته‌سازی‌های استعاره‌ای کنایی در خطبه شقشقیه، مخاطب را به اغراض و مقاصد عمیقی رهنمون می‌سازد؛ مقاصدی چون: جایگاه حقیقی امامت، دیدگاه امام علیه السلام درباره مردم و حکومت، برخی از ویژگی‌های رفتاری خلفای پیشین، و نیز به تصویر کشیدن وضعیت کنونی و گذشته. پی بردن به این گونه اغراض، نقش بسزایی در جهت تحلیل گفتمان امامت امام علی علیه السلام در تفکر شیعی دارد.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، خطبه شقشقیه، برجسته‌سازی، استعاره، کنایه.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)

mohamad_smm@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه میبد، میبد، ایران

m.ghafoorimanesh@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه میبد، میبد، ایران zarezardini@meybod.ac.ir

۴. استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران r.nazari@meybod.ac.ir

مقاله پژوهشی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
امامت پژوهی، سال دوازدهم
شماره اول، شماره پیاپی ۳۱
بهار و تابستان ۱۴۰۱
صفحه ۱۶۷ - ۱۸۷

jep.emamat.ir

DOI:10.22034/jep.2021.241889.1212



copyright © the authors